

بهای اشتراك
 نسط اول (مذاكرات مجلسين) سالانه ۲۰۰ ريال
 نسط دوم (آكسيما) ۶۰۰
 شماره كامل ۸۰۰



محل اداره
 مجلس شورای ملی
 شماره تلفن ۲۰۴۴۸ و ۲۸۸۹۴ و ۲۸۸۹۵ و ۸۸۹۶
 روزنامه يومية

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

مامل، کلبه لوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آکسهای رسمی و لائول

سال هشتم

۴شنبه ۲۱ آبان ماه ۱۳۳۱

شماره ۲۳۵۵

شماره مسلسل ۳۵

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۳۵

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۴شنبه

۲۱ آبان ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب

- ۱ - طرح صورتمجلس
- ۲ - بیانات قبل از دستور - آقایان: زهری - دکتر شایگان - فئات آبادی
- ۳ - بیانات آقایان: مشار - دکتر شایگان و خلخالی بعنوان ماده ۹۰ آیین نامه
- ۴ - اعلام وصول یک فقره طرح و ارجاع آن به کمیسیون دادگستری
- ۵ - بیانات آقای نایب رئیس دایر به تصمصیم هیئت رئیسه راجع به تعیین تکلیف مطالب موجوده در مجلس سنا
- ۶ - مذاکره در پیشنهاد واصله دائر بر ارجاع لایحه افزایش سهم کشاورزان به کمیسیون مخصوص
- ۷ - بقیه مذاکره در لایحه دو فوری راجع با اجازه تعقیب آقای احمد قوام و تصویب آن
- ۸ - طرح سؤال آقای وکیل پور
- ۹ - ختم جلسه بعنوان تنفس

مجلس ساعت نه و پنج و پنج دقیقه صبح بریاست آقای مهندس رضوی (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس

نایب رئیس - صورت غائبین جلسه گذشته قرائت میشود (بشرح زیر بوسیله آقای ناظرزاده قرائت شد):
 غائبین با اجازه آقایان: مکی، مهندس حسینی، مدرس، عبدالرحمن فرامرزی، ناصر ذوالفقاری
 غائبین بی اجازه آقایان: دکتر امامی، بهادری، فتحعلی افشار، دادور، امیرافشار، معتمد دماوندی، محمد حسین قشقایی، راشد

میراشرافی، تولیت
 دیرآمدگان با اجازه آقایان: میلانی، اورنگ
 دیرآمدگان بی اجازه آقایان: منصف، دکتر کیان، شوکتی، صرافزاده
 نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه یکشنبه ۱۱ آبانماه ۱۳۳۱ اگر آقایان نظری دارند بفرمایند - آقای ناظرزاده
 ناظرزاده - در جلسه گذشته ضمن طرح یکدوازدهم بنده عرض کردم که همه

آقایان نمایندگان محترم از زحمتی که تاخیر پرداخت حقوق برای آنها ایجاد میکند مطلعند و مجلس هم برای کمک بکارمندان دولت یکدوازدهم را تصویب کرد - امروز خواستم این تذکر را بوزارت دارائی بدهم که مقصود از پرداخت حقوق کارمندان دولت فقط حقوق کارمندان تهران نیست (نمایندگان صحیح است) بلکه باید حقوق کارمندان شهرستانها و بخشهای دور افتاده هم پرداخت شود (صحیح است) که ماهها بتأخیر نیفتد و عده زیادی کارمندان تهیدست ولایات بمضیقه نیفتند خوب است جناب آقای وزیر دارائی باین موضوع توجه بفرمایند (صحیح است)

اقبال - بنده سه بار با ایشان نوشته ام.
نایب رئیس - آقای کهید
کهید - در عرایض پریروز بنده مختصر اشتباهی است که غلط چاپ شده تصحیح می کنم و می دهم بآقایان تند نویسی
نایب رئیس - آقای خلخالی
خلخالی - در عرایض جلسه گذشته بنده اشتباهاتی رخ داده که اصلاح میکنم و تقدیم میکنم

نایب رئیس - آقای حاج سید جوادی
حاج سید جوادی - در بیانات بنده که در روزنامه نوشته شده عباراتی نوشته شده بود که مطالب بنده تعریف شده بود میخواستم قدری توجه بکنند آقایان مخبرین جراید که عبارت ناطق تعریف نشود و از خلاصه اش افتتاح بریا نشود - خیلی ممنونم - حالا خلاصه هم میکنند بکطوری خلاصه بکنند که تنه آبرو نرود
نایب رئیس - راجع به تند نویسی مجلس بفرمائید

حاج سید جوادی - حالا عرض می کنم عبارتی هم اینجا دارد حاج سید جوادی

از ۱۳ تا ۱۷ صحبت اینست که اعلام میکنند ۱۳ تا ۱۷، مراد من این است که روزی که شماره های ۱۳ گذرنامه رومی دهند در خلال آن ۱۷ هم هست و این اشاره بعدم ترتیب و انضباط است تمامی کنم اصلاح بفرمایند

نایب رئیس - اصلاح میشود آقای حائری زاده نسبت بصورت جلسه فرمایشی دارید؟

حائری زاده - مطالبی در جلسه قبل من عرض کردم که خیلی مختصر بود و اشتباه مطبعه منی دارد، آن را اصلاح میکنم و می دهم بآقایان تند نویسی که اینجاست تکمیل بکنند و از موقع می خواستم استفاده بکنم یک طرح قانونی است راجع بفرهنگ و این دسته بندیهایی که در داخل دبستانها و دبیرستانها و بچهها را بکارهایی که وظیفه تحصیلی شان نیست میگذارند تهیه شده است بنده و یکمده از آقایان امضاء کرده ایم تقدیم مقام ریاست میکنم و تقاضا میکنم که دستور بفرمائید قرائت شود و به کمیسیون مربوطه مراجعه شود

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی
دکتر بقائی - ضمن سرایشی که بنده در جلسه قبل در مجلس کردم يك اشتباهاتی در طبع رخ داده که تقدیم اداره تند نویسی می کنم فقط یکیش را تصحیح می کنم و آن اینست که اغتصابی که جریانش را عرض رسانیدم راجع بآقایان دکانیات بود نه راجع به راه آهن

نایب رئیس - نظر دیگری راجع بصورت جلسه نیست؟ (گفته شد - خیر)
 صورت مجلس با اصلاحاتی که شد بتصویب میرسد

۲- بیانات آقایان: زهری - دکترهایگان - فئات آبادی
نایب رئیس - آقای علی زهری برای نطق قبل از دستور بفرمائید

زهری - آقایان قضیه مهمی است که با آن روبرو هستیم. مسئله مهمی و حیاتی که امروز مطرح است مسأله بسیار مهمی است که حیات و بقای ملت و مملکت بکلیت حل آن بستگی دارد. حالا بجای آنکه در صد حل مسأله باشیم بگزاریم بگردد و کار برای حل آن مسأله بزرگ بکنیم. بعضی ما نشسته ایم دست بدست هم میبایم منتظریم که دیگران کاری بکنند یا ما موردی که انتصاب شده اند مسئولینی که در خارج مستوفای ایشان را انجام بدهند ما اگر نشسته ایم و دست بدست هم نمیبایم. وظیفه خودمان و ملت را بگذردم خردم کردی مخلوط میکنیم و با اگر ما مورد انجام کار و حل مسأله ای هستیم می خواهیم با همان وسایلی که اسباب خرابی کارها بوده اند کار مثبت و ساختمانی انجام بدهیم و در این میان اغلب آنچه که گفته میشود تعارفست که از طرفین از طرف مسئولین از طرف آقایان و کلاً تحویل داده می شود و تحویل گرفته میشود وضع ما و مملکت ما خیلی روشن است. آقای دکتر مصدق رئیس دولت است برای اینکه افکار عمومی ملت ایران خواسته است که ایشان رئیس دولت باشند. آقای دکتر مصدق صاحب همه گونه اختیارات است برای اینکه همه با احترام و استظهار افکار عمومی ملت ایران اختیاراتی را که میخواست بشخص او تفویض کرده ایم و برای اینکه همه ما می دانیم و میدانستیم بقیه داشتیم و بقیه داریم که دکتر مصدق از اختیاراتی که با او داده شده است سوء استفاده نمیکند (صحیح است) و اگر موقع طرح قانون مربوط بتفویض اختیارات اشخاصی در نزدیک بود فقط از این می ترسیدند که دکتر مصدق از اختیارات استفاده نکند یعنی اسلحه ای را که برای نجات مردم در دست گرفته است در خلاف بگذارد. دکتر مصدق رئیس دولت مورد اطمینان همه ملت ایران است (صحیح است) و ایشان همه بی را برای همکاری خودشان انتخاب کرده اند خیلی قبل داشتیم که آقایان وزیران و معاونین شان تشریف داشتند که مراضم حل بریت نبیند (فنات آبادی آنها ما هم که باشند روحشان اینجاست) منظور اینست لیت نکرده باشم و گناهی نکرده باشم (فنات آبادی مشروع است) خلاصه آقای دکتر مصدق مدعی را برای همکاری خودشان انتخاب کردند و در شخصیت افراد انتخاب شده هم بطور کلی حرفی نداشته و نداریم و از یک جهت هم اسباب خوشوقتی است که اکثر وزرای ایشان سابقه وزارت نداشته یعنی سابقه مهارت در فن ماست مالی گرفتن و سبیل کاری کردن نداشته اند (صحیح است) ما شاهانه تازه نفس بودند و قبلاً بقصد خدمت پسند وزارت نشسته و وسایل کار هم از همه جهت در حد در ممکنات برایشان بهتر از همه موجود و ميسر بود و ميسر هم

است. ولی مثل اینکه آقایان تا امروز هیچکاری انجام نداده اند. مالیه میدانیم و آقای وزیر امور خارجه هم بر پروژها آوری فرمودند و حتی انجام کار و اصلاحات وقت میخواهد ما این را میدانیم، لذا حرف خود را توضیح می دهم و عرض می کنم که آقایان وزراء به طور کلی هیچ کاری راهم شروع نکرده اند و چنین بنظر میرسد که دستگاه دولتی، دستگاه مصلحت دولتی دستگاهی که متعصب در ایجاد امور معوقه است آقایان وزراء تازه نفس و خوش نیت ما را خوب مشغول کرده اند و خودشان از طرف دیگر مشغول انجام وظیفه تشکیل پرونده هایی برای امور معوقه میباشند در ابتدای تشکیل هیئت دولت شخصی که بایستی از آقایان وزیران سابقه دوستی داشت بلافاصله آقای وزیر رفت دید آقای وزیر فرقی پرونده ها و امضای مطرف و تعقیب و پاسخها میباشند. باو گفت رفیق خودت را با این کاغذ بازیها مشغول نکن، نگذار وقت را بسا این کاغذ بازیها تلف کنند، نابود کنند. جناب آقای وزیر جواب داد من مشغولم که وارد جریان کارها بشوم. همینکه وارد جریان شدیم کارها را قضا خواهم کرد و باقی خواهم کرد. اکنون جناب آقای وزیر چنان وارد جریان کارها شده است و جریان کارها چنان ایشان را بخود مشغول کرده که حتی فرصت هم از او سلب شده است. یک حکایت کوچولو اینجاست بیادم آمد مردی داشت تعریف میکرد که در فلان موقع در فلان محل چگونه گرفتار شده ام او باش شد و چگونه از خود دفاع کرد، ضمن تعریف برای نشان دادن طرز عمل گرفتارش را باز کرد دور سرش چرخاندن خیلی معذرت می خواهم شلوارش کشاد بود یا خودش لاهر شده بود نمیدانم ولی آنچه معقق است اینست که شلوارش شروع کرد به پائین افتادن و او همچنان کم بند را در دستش دور سرش میچرخاند یکی از حاضرین و مستمعین چون وضع را بدین منوال دید گفت، امو داداش. آمشتی، شلوارت را بکش بالا. داداش آمشتی همانطور که کمربند را محکم و تند و سریع دور سرش میچرخاند جواب داد، سگو. فرصت امن نمی خواهم اینجا با آقایان وزیران دکتر مصدق عرض کنم که عذر گو فرست از ایشان معسوم نخواهد بود. آقای دکتر مصدق حسابشان در مقابل افکار عمومی با آقایان وزیرانشان بکلی جداست مردم میدانند و اینطور فکرمی کنند که یک دکتر مصدق تنها این اختیارات و پشتیبانی که ازش میشود سهل است اگر چه برابر هم میشد بتهائی نمیتوانست کار را انجام بدهد کار را بایستی آقایان وزیران انجام بدهند و از این آقایان

وزیران هم عذری پذیرفته نخواهد بود زیرا برای هیچ کابینه ای برای هیچ وزیری و هیچ هیأت وزیرانی یک چنین فرصتی برای کارها انلا برای شروع بکار پیدا نخواهد شد راجع به اصلاحات خیلی حرف زده شده است گفته شده باز هم بایستی گفته شود و باید به همه کس فهماند که اصلاحات اساسی اصلاحات عمیق وقت میخواهد. فرصت میخواهد. وسیله میخواهد ولی این موضوع اصلاحات که الان سر همه زبانهاست وسیله سیاسی و با نفرت و با پیراهن عثمان شده که لازمست قدری در اطرافش توضیح داده شود

نایب رئیس - وقت را هم باید مراعات کرد

زهری - الان دو نوع فکر وجود دارد یکدسته از ما هستند که اصلاحات فوری را لازم و ممکن میدانند و اصرار دارند که دولت باید هر چه زودتر شروع با اصلاحات عمیق و اساسی بکند و یک عده دیگر معتقد هستند که مثلا اصلا نباید حرف اصلاحات را هم زد زیرا ممکن است خدای نکرده ایجاد اختلاف و تشتتی بکند در هر دو دسته این اشخاص اشخاصی هستند که واقعا طرفدار دکتر مصدق و نهضت ملی و اصلاحات واقعی هستند و عده ای هم هستند که مخالف هستند و از همه چیز و حتی از اصلاحات هم برای تضعیف دولت و تخریب روحیه مردم استفاده میکنند اینها هم گاهی از لزوم اصلاحات صحبت میکنند و اصلاحات را پیراهن عثمان میکنند و گاهی هم از ترس اینکه مبادا فردا اصلاحات راستی راستی بشود صحبت از اصلاحات را بعنوان اینکه و بتصور اینکه موجب تضعیف میشود کفر میدانند خلاصه مطلب منظور بنده این بود که الان صحبت از اصلاحات کردن و تقاضای اصلاحات کردن و درباره اصلاحات فکر کردن مثل اینکه بصورت غامضی در آمده و به همین جهت هم فصد بنده صحبت از اصلاحات لزوم اصلاحات یاد آوری اصلاحات نیست و اعتراف می کنم که اصلاحات عمیق واقعی فرصت وقت و وسایل متناسب لازم دارد ولی بعضی چیزها بعضی کارهاست که فوری ميسر و ممکنست در صورتیکه دولت یعنی آقایان وزیران نقشه ای داشته باشند یعنی بخواهند با هم بنشینند هدف کارشان را باهم صریحاً معین بکنند و جدا هم بفکر تهیه وسایل رسیدن بآن هدفها باشند و ضمناً منفی بافها و مشکل تراشهای عالی مقامی را که سالهاست همینطور عالی مقام هستند و کاری نکرده اند از حول و حوش خودشان برانند زیرا این آقایان جز مشکلاتی و بهانه جوئی و منفی بافی هیچ کار دیگری بلد نیستند هر کاری را که میخواهند بکنند فوری بختیها و اشکالات و بهانه هائی را که برای نکردن کار موجود است صورت میدهند

نایب رئیس - آقای زهری وقت آقایان

تزدیک بانام است

زهری - چند دقیقه مانده

نایب رئیس - سه دقیقه از وقت شما باقیست

زهری - وقت هشت و هشت و دو دقیقه بیشتر طول نمیکشد

نایب رئیس - بفرمائید بعد رای میگیریم

زهری - چون اینجا چند رتبه از طرف آقایان اعضای دولت تصریح شده که خواهان اظهار نظر و راهنمایی هستند بنده و رفقایم هم یک موضوع نسبتاً مهمی را که بنظر آمده که لازمست تذکر داده شود اینجا مطرح میکنیم و بعد از مطرح کردن هم بانام فوا و توانائی خودمان و بکمک سایر آقایان نمایندگان و همکاری و همراهی آقایان نمایندگان آن را از دولت هر روز و هر ساعت بهر وسیله ای باشد مطالبه خواهیم کرد. ولی فعلا لازمست که عرض کنم که آقایان وزرا حتی آقایان و کلاً و تمام مسئولین امور قبل از هر چیزی باید یک طرز فکر و یک روش فکری را که عجاتاً مثل اینکه همه مان مبتلا هستیم مواجه بکنند و هر چه زودتر مواجه بکنند و اگر بفرمائید مثلا بکفایتون کار بگذارند اگر بخواهند راجع به مسائلی بین مالک و زارع بکفایتون وضع بکنند و مقرراتی اعلام بدارند اگر بخواهند برای مردم طبقات زحمتکش مردم و کلیه افرادی که حقتشان در اینجامه تضییع شده کاری بکنند و خلاصه اگر بخواهند اولین قدم را بردارند و اولین سنگ بنای عدالت اجتماعی را بگذارند باید یک فکر غلط و جاری را از مغز خودشان خارج کنند. یعنی اینکار هارا برای آن بکنند که اینکار ها لازمست و باید بشود و نه مثلا برای جلوگیری از مرض و درد دیگر توضیح می دهم و تصریح میکنم. اغلب وقتی صحبت از حق کارگر و حق دهقان حق مردم زحمتکش مردم محروم میلیون ها مردم فقیر و گرسنه و بیکار می شود. اغلب وقتی از لزوم تعدیل ثروت صحبت بمان می آید بزرگترین دلیل اینکارها را وجود کمونیسم معرفی می کنند. میگویند ما چون میخواهیم جلوی کمونیسیم را بگیریم باید اینکارها را بکنیم. اینها طرز تفکر غلط است و این طرز تفکر است که تا اندازه ای تا کنون مانع شده است در این زمینه حتی یک قدم برداشته شود. این استدلال را باید بکلی دور بیندازیم. باید حق دهقان، حق کارگر، حق تمام طبقات زحمتکش داده شود برای اینکه حق آنهاست. برای اینکه ما این جا آمده ایم حق مردم را نگذاریم تضییع شود هر کس بهر کس برسد. (پورسرتیپ حق گرفتاری است نه دادنی) ما را فرستاده اند اینجا که حق را بگیریم قربان (نمایندگان احسن است احسن است) برای اینکه عرض کردم ما اینجا برای همینکار اینجا آمده ایم ما را برای همین کار اینجا فرستاده اند. برای

آنکه دولتها امروز در تمام دنیا، دنیای متدین و وظیفه‌شان این است که بهر قیمتی که باشد عدالت اجتماعی را برقرار بکنند و ثروت مائی را که عموماً بناحق در نتیجه جنگ جهانی و انواع دزدی و غارت و جپاول در یکجا جمع شده صاحبان آنها بر گردانند نه برای کار دیگر این یک حق است. برای این که این بالاترین حق است نه برای جلوگیری از یک مرض فرضی. این بر فراری عدالت اجتماعی که همه معترف بلزوم بر فراری آن هستیم البته مقدماتی لازم دارد. سعی میکنم که خیلی مختصر چند نکته از این مقدمات را عرض برسانم. اول آنکه باید نقشه داشت. دوم اینکه معهود و مجذوب مشکلات کار نشده. راجع به چگونگی نقشه عرضی ندارم همانا این تذکر را میدهم که برای تهیه بهترین نقشه‌های ممکن نباید وقت تلف کرد. نقشه ای که بطور متوسط قابل قبول باشد و هر کاری که باندازه متوسط معقوف باشد در این مملکت ما در این خراب آباد بطور قطع نتیجه و اثر فوری میبخشد. شاید اگر یک کاخ خیلی عالی را بخواهیم تعمیر بکنیم و بهتر بکنیم کار مشکلی باشد. ولی یک کلبه خرابه و سقف در رفته را با مطالعه کم فوری می شود اصلاح کرد. دم این که از این موضوع در انجام کار نباید نرسد که فدای ظلم هم بشود. ناچار باید فدای ظلم حتماً بشود. نسبت بان طبقه و آن افراد که ماشاءالله همه چیز دارند و همه چیز را چندین صوم هزار برابر خود و اولاد خودشان دارند اگر فدای هم ظلم بشود هیچ مانعی ندارد. قانونهایی باید درست کرد که قابل اجرا باشد. یکی از علل آنکه قوانین خوب اغلب اجرا نمیشود یعنی قوانینی که بضرر اغنیاست اصلاح اجرا نمیشود. برای اینست که می خواهند بهیچ کس ظلم نشود. یا این موضوع را بهانه می کنند. مثلاً می خواهند در یک قانون تمام استثنای ممکن تصور را پیش بینی کنند. لذا قانونها بصورتی در می آید که اصلاح قابل اجرا نیستند. بهترین نمونه اش همین قانونهای متعدد مالیات بر درآمد است که در اینجا بصوب رسیده و هیچکدامشان اجرا نشده. این یک موضوع پیش پا افتاده است که هیچ قانونی نیست که بتواند تمام طبقات، تمام مردم یک کشوری را راضی بکند. ناچار بعضیها ناراضی میشوند و از این ناراضی شدن بعضیها نباید ترسید اینست که عرض کردم لازمت برای انجام عدالت اجتماعی فدای ظلم هم بشود البته خوشبختانه موضوع ظلم در کار نیست چیز دارهای ما، متولین ما بطوریکه حتی در این مجلس و در یکی از جلسات خصوصی هم اعلام کردند حاضرند نبی از املاک و مایملک خود را بدهند و مایملک خود را بدهند و یا نلت (یکی از نمایندگان) - هاشم را

بدهند بهتر است (که ممکن است جزو فقرا در بیایند و باری بدوش دوات بشوند خوب نیست. عجالتاً البته موضوع اینست که آقایان هم میدانیم که یک عده ای حق یکمده دیگری را بازور و ظلم گرفته و غصب کرده اند و بدون یکمده ظلم و فشار پس نخواهند داد. و دولتها در این عصر و زمان موظفند وظیفه شانست و ما این جا هستیم که آنها را موظف بانجام اینکار بکنیم که حق مظلومها و دزد زده ها را بگیرند و بطریقی باینها پس بدهند و برای انجام اینکار مراحل و قدمهای اول اینکار داشتن نظریات اشخاص متخصص، دکتر شاخت و کامبل گوت و اینها هیچ احتیاجی به نظریات این آقایان هم نداریم. همین متخصصین خودمان برای انجام اینکار ها کافی هستند مثلاً برای اینکه وضع ادارات فدای بهتر بشود.

نایب رئیس - آقای زهری فدای عجله بفرمائید

زهری - نزدیک با تمام است من باب مثل عرض می کردم برای اینکه وضع ادارات یک قدری بهتر بشود و دلسردی باس کارمندان دوات که اکثریشان خوبند و خیلی هم خوبند و دزد و رشوه خوار هم نیستند از بین بروند دولت می تواند و بظن ما باید نور چشمها را از ادارات بریزد بیرون. بنظر ما وجود نور چشمها در ادارات هزار معایب دارد که بنده چیزی نمی گویم زیرا آقایان همه میدانند (یکی از نمایندگان) - جی آقایان) نور چشمها را از ادارات بریزند بیرون. این نور چشمها را میشناسید ما هم میشناسیم اغلب ... (کنج خلی هستند) اغلب اینها بنا حق بست ها و شغل های مهم را اشغال کرده اند اینها را میشود بسون ملاحظه بیرون ریخت اگر هم ملاحظه لازم بود باید با آقا جانهایشان گفت و با از خودشان خواهش کرد که یک مرخصی بدون حقوق بگیرند و اگر هم نگرقتند مرخصشان کرد البته در این میان ممکنست نسبت بچند تا شان ظلم شود چند تا شان باشند که احتیاق مقام و شغل خودشان را داشته باشند این البته ممکنست ولی هیچ مانعی ندارد که اینها بیرون ریخته شوند برای آنکه با این بیرون ریختن آنها دهها هزار نفر بآینده خودشان امیدوار میشوند و اگر این موضوع را هم در نظر بگیریم، که در مملکت ما تا کنون هیچکاری به متخصص و کاردان سیرده نشده و نمیشود و هیچیک از این نور چشمها هم که اتفاقاً ممکنست تخصص داشته باشند در معنی که هستند مورد استفاده قرار نمیگیرند آنها را بیرون کردن هیچ مانعی ندارد آقایان وزراء هم آنطوریکه عرض کردم باید بنشینند با هم فکر اساسی بکنند و آقای دکتر مصدق هم مشکلات و اشکالات کار را از جلوی پایشان بردارند. اصلاحات عمیق و اساسی

و تعولات و اینجور چیزها عجالتاً پیشکش آقایان کسی تحول عمیق و اساسی از آقایان انتظار ندارد زیرا همانطور که گفتیم وقت می خواهد و عجالتاً وقت نیست کار بیکه آقایان باید بنشینند و نقشه فوری برای آن بریزند و وسایلی را بهر قیمت که باشد تهیه کنند. موانع آنرا رفع نمایند اینست که برای مردم برای بیکارها کار تهیه کنند این اصلاحات نیستند و خیلی آسانست این وظیفه دوات است و اولین وظیفه دولت است باید برای مردم کار تهیه کرد و بعد هم اصلاحات کرد آنوقت فرصت اصلاحات خواهد بود کار هم البته دو چیز می خواهد نقشه، پول هر دو این ها هم موجود است عرض کردم برای تعمیر و مرمت یک کلبه خرابه نقشه آن مشکل نیست هر کاری در مملکت آقا بشود مفید واقع میگردد و مستقیم و غیر مستقیم نفع می دهد الان مکتبی در اقتصاد هست که عقیده دارد دولت برای رفح بیکاری و تنظیم و بهبود وضع اقتصاد هر کاری بکند مفید است و اگر کار فعاله ای موجود نباشد تمام کارهای عام المنفعه در یک مملکت انجام شده باشد کافیست دولت دستور بدهد که بیکارها مشغول کنند کودکانی در بیابانها بشوند و بعد آن کودکان را بپر بکنند مدام کودال بکنند و کودال پر کنند و این عمل خود به تنهایی باعث رونق اقتصادیات خواهد شد اگر آقایان دقت بفرمایند ملاحظه میکنند که این موضوع شوخی نیست، خیلی مفهوم جدی هم دارد ولی خوشبختانه یا بدبختانه در مملکت ما هنوز خیلی مانده است که باینجا برسیم که دولت بیکارها را مشغول کنند و پر کردن کودال بکند خیلی کارهای دیگر هست که اگر شروع بشود و بانجام برسد در مدت کوتاهی خرج خودش را هم تأمین می کند و استهلاک هم میکند خیلی کارها هست که اگر بشود در وضع همه در رفح بیکاری، رونق بازار و تجارت و حتی درآمد دولت هم فوری تأثیر خواهد کرد و لذا تهیه نقشه برای کار مشکل نیست حتی میشود ادعا کرد که در ده بیست سال اخیر ادارات دولتی ما متخصصین خود ما و متخصصینی که از خارج آمده اند اینجا کاری جرت تهیه نقشه نداشته اند الان در هر یک از ادارات و وزارتخانه ها یک دنیا نقشه های کم و بیش مفید موجود است.

موضوع پول آنها تهیه اش ممکن و حتی میشود گفت آسان است بشرط اینکه دستکاه دولت هیت دولت مجموع دولت بخواهند. اول برای کارهای عام المنفعه احتیاج بانقشار مقداری اسکنااس هست

نایب رئیس - آقای زهری زودتر تمام کنید

زهری - متخصصین خارجی گفته اند که اگر از دید اسکنااس برای تهیه کار

و امور عام المنفعه باشد هیچگونه اشکالی نخواهد داشت و اگر بعضی احتیاطهای دیگری هم در کار باشد از نظر اقتصادی هیچ ضرری نخواهد داشت.

علاوه بر این برای آنکه انتشار اسکنااس در قیمت ها تأثیر نکند علاوه بر اینکه باید بتدریج و فقط باندازه لزوم منتشر بشود لازم است یک اقدامات احتیاطی دیگری هم انجام بگیرد که قیمت ها ترقی نکند در وهله اول دولت باید یک مالیات نسبتاً سنگین باملاک غیر منقول ببندد و در مرحله اول دولت باید از املاک سایر املاک که چقدر شهر وجه در خارج شهر مسلوب المنفعه افتاده اند یک مالیات سنگین بگیرد آقایان این صحیح نیست که فلان آقا که زرنگ بوده یا بار رئیس ثبت تبانی کرده یا بابا زرکش صاحب اختیار یک قسمت از مملکت بوده قسمت های وسیعی از اراضی را مثلا از فلان کوه تا فلان کوه بشت برساند و ادعای مالکیتش را بکند و بعد هم بگوید یک سویس دوسویس اراضی ملک دارم این صحیح نیست و باین ترتیب صحیح نیست که بعضی اشخاص میلیاردها ثروت اجتماع را بشکل زمین بایر ضبط بکنند و مالیات نپردازند و بعد اینکه مسلوب المنفعه است در آمد ندارد مالیات ندهند در صورتی که بیشتر اراضی مملکت اگر بنظر بیاوریم بایر هست و درآمد ندارد ولی نصف درآمد مملکت عجالتاً صرف قوای انتظامی برای حفظ همین اراضی بایر و مسلوب المنفعه میشود صاحبان اینها آقایان باید در نگهداری آنها شرکت کنند دولت باید از این اراضی نسبت قیمتشان مالیات بگیرد ممیزی هم لازم نیست وقت تلف کردن هم لازم نیست مالکین اراضی بایر و اراضی مسلوب المنفعه باید موظف باشند که اظهارنامه ای بدولت بدهند و قیمت اراضی خودشان را هم تعیین بکنند و مالیات آنرا هم بپردازند و دولت هم حق داشته باشد که در مقابل طلب خودش و بادر هر موقع دیگر این اراضی را بقیمت اظهار شده تصاحب کند علاوه بر این که برای دولت پول تهیه میشود صاحبان اراضی هم بعضی ها شان شاید در صد عمران و آبادی اراضی و املاکشان بر می آیند خلاصه اینکه دولت میتواند برای مزد کارگر اسکنااس منتشر بکند و برای تهیه مصالح کار از مالکین اراضی بایر در درجه اول و از مالکین اراضی دایر در درجه دوم مالیات بگیرد و بخصوص تهیه وسایل کار بپردازد این کار را آقایان باید بکنند و هر چه زودتر هم بکنند تهیه کار برای بیکارها وقت و وسایل و اینها نمی خواهد اگر برای بیکارها کار پیدا شود خود آقایان که صبح بیرون می آیند راحت تر خواهند بود و کسی بآنها مراجعه نخواهد کرد. که کاری برای ما تهیه کنید خیلی از دردهای اجتماعی و اقتصادی کشور علاج خواهد شد برای دولت هم مالیات تهیه خواهد کرد

لایحه رئیس - آقای زهری

بر مابند

لایحه - يك دو صفحه مانده چنانچه
دقیقه بیشتر وقت نمی خواهم اگر این کار
را دولت بکند بکند بکند خارجی هم احتیاج
نخواهد داشت اگر اینکار را دولت بکند
وقت هم که از صحت نخواستیم
کنیم خریداریده خواهد کرد و آنرا بقیه
خوب از ما خواهند خرید و آنرا بدون تخفیف
باقیست خوب خواهند برد یعنی اگر دفع احتیاج
خودمان را بکنیم و آنها بدانند که احتیاج
بغارج نداریم فروش نفت هم سهل خواهد
شد این در صورتی است که این کارها را
بکنند و اگر هم نکنند بعد از اینهمه حرفها
بعد از اینهمه نجوایها بعد از اینهمه فداکاری
ها بعد از ۲۰ نیرها بعد از نهضت ها در آینه
سیدام این دوران سارا چگونه فضاوت
خواهند کرد (اقبال - سیارید) سیارید
زیرا هم وسایل کار بود بهترین وجه ممکن
و کاری شد آنوقت حالا آینه را اول کنیم
هدی آینه خیلی نزدیک با خود آقایان که
اینجا نشسته اند با خود ما چکار خواهند کرد
همین مردمی که برای اینکه ما اینجا بنشینیم
و با فایده کتر مصدق رای بدیم خون خودشان
را دادند بر ما چه خواهند آورد آقای
فلسف آبادی دینب شمری خواندند نوی
فرا کسبون که نوی که ام مانده است این
بود که (سرخمی سلامت شکنند اگر سبونی)
اگر سبوا بشکنند هیچ مانعی ندارد بشرط
آنکه سرخمی سلامت بماند و او را اگر ادامه
باین وضعیت و همین ترتیب داده شود سر
سبوا خواهد شکست و از خیم می هم از می
خواهد ماند

فلسف آبادی - احسن

نایب رئیس - در واقع وقتی که

مجلس باید صرف کار فیل از دستور بکند
خانه بافت اگر آقایان موافقت فرمایند
آقای دکتر شایگان صحبت فرمایند و بعد
رای می گیریم برای نیم ساعت اضافه آقای
زهری . آقای دکتر شایگان .

دکتر شایگان - اینکه اشعاس

دیگری بتفصیل صحبت کنند و بخواهند از
وقت نطق دیگران کم بگذارند این بنظر
بنده خیلی صحیح نیست این بکریع مال هر
شخصی هست آنرا بکریع خودش را استفاده
میکنند بعد مجلس اگر رای داد آن شخص
باز هم استفاده میکند والا حق کس دیگر
را ضایع کردن که صحیح نیست . بنده سعی
میکنم حتی الامکان در این مجلس مستمع باشم
و گوینده باشم بدلیل اینکه استفاده میکنم
از بیانات آقایان و سعی میکنم جز ضرورت
یعنی وقتی که احساس میکنم يك مصلحتی
حکم میکند حرفی میزنم در جلسه گذشته
پیش آمدی شد بعضی تصور کردند که
مطلبی برخوردند نسبت به بنده گفته شده
است و جهت بنده مطالبی عرض کردم

(در این موقع جلسه از اکثریت افتاد و پس
از چند لحظه مجدداً اکثریت حاصل شد)
در صورتیکه اگر به بنده بر عرض امانتی
شود باز بنده ضرور نمی بینم جوابی عرض
کنم و اولی و انسب اینست که تحمل کنم و
جوابی عرض نکنم و بطوریکه ملاحظه فرمودید
نسبت به بنده هم بخصوص چیزی فرموده اند
(صحیح است) بنده هم که اظهار معنی
فرمودند بنده در آن موقع نشنیدم بعد در
روزنامه خواندم و ایشان بنده را از اشخاصی
می دانند که حالا شاید همینطور از دهشتان
در آمده است و الا ایشان حرفی را بی مطالعه
نمی زنند در روزنامه نوشته بود که ایشان
گفته اند بنده تقویت کافتارادزه را میگردم
وقتی که کافتارادزه بایران آمده بود با بعضی
از رفقا مسهره اش میگردیم و کفترزاده
می گفتیم در صورتیکه کافتارادزه در سال
۲۳ بایران آمده بودند نمی دانم چه طور میشود
بنده که در سال ۲۵ و ۲۶ در کابینه بودم
کافتارادزه ای را که در سال ۲۳ بایران آمده
تقویت کنم بکوفتی بکنفر با ما صحبت
میگرد و میگفت برای اینکه مطلب مشکوف
شود شما باید از دوقید صرف نظر بکنید
مطلب حل میشود صحبت بر سر این بود
که بتوانیم با ارواح صحبت کنیم و طی طریق
کنیم آن شخص میگفت مثلا شما این جا
نشسته اید می بینید که فلانکس در آمریکا
چکار میکند قبول این امر برای ما مشکل
بود آن شخص می گفت اگر انسان مقاماتی
طی بکنند اینها سهل است گفتیم اینها قبولش
خیلی مشکل است که بنده باشاه عباس صحبت
کنم میگفت نه خیلی مشکل نیست باید
دوقید را فراموش کنید یکی قید زمان
است یکی هم قید مکان حالا هم اگر قید زمان
و قید مکان را برداریم مطلب حل میشود
با این وضع ممکن است بنده کافتارادزه
را که در سال ۲۳ بایران آمده است تقویت
کنم باشم عرض کنم اینها مطلبی نیست و
اگر کسی شدیدتر و موهن تر از این هم
صحبت بکند بنده عرض نمی کنم چون آمده
بنده است از صف دوستان که هیچ اگر از
صف مخالفین هم حرفهایی زدند و ما جواب
ندادیم جوابش را مردم می دهند اما آنجائی
که من صحبت کردم برای این بود که بحیثیت
مجلس و حیثیت نهضت ملی ایران لطمه
می خورد از این جهت بود که بنده تاب نیاوردم
و ابراد کردم مطلب را بنده میشکافم بنده
از اشخاصی هستم که به نهضت ملی ایران و
باشخاصی که پیشرو این نهضت بوده اند
و هم چنین باشخاصی که این نهضت را تقویت
کرده اند ایمان قطعی دارم بنده نفع شخصی
ندارم که کسی را تقویت کنم یا در مقابل کسی
بایستم بنده به ثروتی دارم نه ملکی املاکی
علائق زیادی که بخواهم برای حفظ آن علائق
تسکین کنم از يك چیزهایی که بهش معتقد
نیستم اینرا که ندارم خویش و خویش هم که

بخواهم بروی و ادوات تحصیل کنم و استفاده
کنم بکندانه ندارم يك نظر ندارم بنا بر این
مجلس ندارم که دولتی باشخصی را تقویت
کنم و حال آنکه در دولتم یا او مخالف هستیم
برعکس اگر همین وجود مخفی من هم در
خطر باشد اگر به بنم چیزی برخلاف مصلحت
سلطنت است اینجا میباشتم و میگویم تو
کسی که قوی هستی و شخصی اول هستی آدم
فاسدی هستی و بد هستی همین کارها را هم اینجا
کرده ایم و امتحان خود را داده ایم بنا بر این
تصور اینکه ما برای خاطر اشخاصی باشخصی
که رئیس دولت است و مورد نظر من هستند
بنده می خواهم برای خاطر اینها پاروی حق
بگذارم يك همچو چیزی نیست برای اینکه
بنده تنها دلخوشیم در این است که فرض می کنم
او قائم بهیچ چیز دیگری مصرف نمی شود
و فقط صرف کارهای مملکتی می شود یعنی نه
ملکی دارم و نه ضیاعی و نه عقاری وقتی که
مشغول خدمت بمملکت هستم داعی ندارد
وقتی که منافع مملکت در خطر باشد یا
اشخاص باشخصی بخواهد بمملکت خیانت کند
ساکت بنشینم بنده عرض کردم که بنده
مؤمن بنهضت ملی ایران هستم بنده عرض
میکنم الان که آقایان حاضر تماماً تقریباً
قبول دلوند این نهضت ملی را برای اینکه
تقویت کردند و آمدند صحبت کردند و فرض
نمی کردند جور دیگری هستند بنا بر این
گفتن باین آقایان که مرعوبند یا مجذوب
بنظر بنده صحیح نیست برای اینکه مرعوب
کی هستند و مجذوب کی؟ کسی که خودش
دولت را آورده است چرا مرعوب باشد این
را اگر يك اقلیتی بایکنفر می آمد میگفت
قابل قبول بود آقا آخر ما خودمان دولت
را آوردیم از همه بهتر اینکه ایشان خودشان
عضو فرا کسیون نهضت ملی هستند که خودشان
آورنده هستند خودشان رای دادند و تصویب
کردند بنا بر این خودشان خودشان را مرعوب
کرده اند یا خود ایشان شما را مرعوب
کرده اند یا دسته ایشان شمار مرعوب کرده اند
عرض کردم اگر اشخاصی بودند و خارج از
این نهضت ملی بودند و در اقلیت بودند و
می گفتند آقا شما ما را مرعوب کردید ما حرفی
نداشتیم مسلم شاید هم همینطور بوده است
ولی ایشان خودشان جزو نهضت ملی هستند
بنا بر این مرعوب و مجذوب شده اند ؟
بنده هم دو نفر از دوستان ما که فرصت
بیان داشتند اینجا آمدند جناب آقا خلغالی
فرمودند من مرعوب کسی نمی شوم و با کمال
میل کار میکنم و بعد هم فرصتی پیدا شد و
آقای صفائی آمدند اینجا گفتند که من
مرعوب کسی نیستم و از همه مهمتر این است
که اگر اشخاصی مرعوب باشند باید خودشان
اینجا صحبتی بکنند (حائری زاده - آدم
مرعوب که صحبت نمیکنند مرعوب است)
فرمایند اینجا صحبت بکنند (حائری زاده -
استدلال فلط است) خود ایشان مرعوب بودند
بدلیل اینکه در بعضی جاهای دادند

و روزی که صحبت از بستن سنا یعنی
تقلیل مدت سنا بود باشدند رفتند بیرون پس
مرعوب نبودند اگر کسی می خواهد بگوید
که من مرعوب نیستم یا بیرون آمده باید
بگوید همان موقعی که مطلب مطرح است
و سر بزنگاه است باید بگوید که من مرعوب
نیستم تا اینکه بعدی باید بگوید که من مرعوب
نیستم و شما هستید بنده تحویل میکنم این جریان
مرعوبیت را آقایان ملاحظه فرمایند چیزی
که در این مورد اسم مرعوب و مجذوب
رویش گذاشته می شود برای آن که برای
فلان آقایان هزار تومان اضافه حقوق تصویب
کنیم نیست مرعوب مسائل مهمه است که در
اینجا مطرح شده است و احتمال می رود يك
همچو چیزی درش فرض کرده دوسه مطلب
بیشتر نیست یکی عبارتست از تقلیل مدت سنا
یکی دیگر عبارتست از قطع رابطه با
انگلیس هابکی دیگر عبارتست از ضبط
اموال قوامویکی هم عفو طهماسبی اگر کسی
شهادت اخلاقی می خواهد بخرج بدهد و
بگوید من مرعوب نیستم در این موارد
باید باشد و صاف و راست بگوید که آقا
من مخالف قطع رابطه با دولت انگلستان
هستم بگویم من مخالف تقلیل مدت سنا هستم
اما بگویم من مخالف ضبط اموال قوام هستم
اگر نگفت آمدن و بطور کلی صحبت کردن
که موردی ندارد بلکه در این مورد بکسرر کلی هم
دارد و ضرر کلی اینست که ملت ایران يك
قدرت بیشتر در این دنیا ندارد و آن اینست که
در تمام دنیا میگویند که ملت ایران مثل فرد
و احدیست سریشوای خودش ایستاده است
و میخواهد آزادی و استقلال خودش را
بگیرد (صحیح است) اگر این را هم از
دست داد دیگر علی می ماند و حوضش ما که
چیز دیگری نداریم تمام پیشرفتی که در
دنیا کردیم تمام نام بلندی که مدیون کمک
و همراهی شاست مدیون همین بکمطلب
هستیم مدیون این هستیم که ملت ایران با
میل و رغبت با کمال آزادی و با طیب خاطر این
نهضت را تقویت میکند حالا بنده چه طور
تاب بیاورم يك نفر بیاید پشت این تریبون
و بگوید مجلس مرعوب است بنده ممکن
است ابراد بفرمایند که این حرکت قسری
و اجباری است و از روی رضا و رغبت نیست
آقامن چه طور عصبانی نشوم این عصب را
برای همین موقع می خواهم اگر يك چنین موقعی
حرف نزنم باید بروم بمیرم (صحیح است)
عرض بنده اینست که مصلحت اندیشی و
کمک کردن به پیشرفت کار دولت و نقشه های
اصلاحی دادن همه مطلوب است همه آن را
می خواهیم و اگر مشکلاتی در پیش داریم
مشکلاتمان عبارت از این است که يك جمع
مجتبمی که خالصاً مخلصاً تمام اوقاتشان را
شب و روز صرف اصلاحات مملکتی بکنند
و کمک بدولت بکنند وجود ندارد و همه
سعی که بعنوان تشکیل فرا کسیون کردیم
برای این بود که بکند سنا ای تشکیل بدیم
یعنی همه با هم کمک بکنیم بکری مجلس

مملکت بکنند اگر کسی هست که مخالف این دسته است باید یکی از این دو کار را بکند یا باید و این فرا کسیون را بخواهد مطابقش را طرح کند و اگر میتواند بقوه و قدرت بیان و منطق این دسته را قانع کند و بجز این را از پیش بیرون بیاورد و بگوید که شما مردمانی هستید که بخرافه حق تن در نیندھید و باین جهت من از بین شما بیرون رفت آنوقت خودش برود اشخاص هم سلبه خودش را پیدا بکنند و نقشه های اصلاحی خودش را اجرا کند ولی این وضع متزلزل و اگر عسارت نشود نندبند که آدم بگوید آقا من جزو يك دسته هستم همراه بگفته هستم و ملت ایران هم او را جزء آن دسته بدانند بعد این شخص بیاید و خلاف آن دسته صحبت و عمل کند این يك چیزی هست که نباید عملش را کرد عرض کردم اگر کسی از مخالفین این فرا کسیون بیاید و يك حرف بزند بر خلاف فرا کسیون مسموع است یعنی بگوید آقا من جزء فرا کسیون شما نیستم و شما که فرا کسیون قوی هستید آرائتان را بر من بعمل می کنید اما کسی که جزء فرا کسیون هست نمی تواند هم باشد و هم نباشد حالا شهادت اخلاقی میخواهد که این مطالب را بسنجد ببیند که بودن با این جمعیت بصلاح مملکت هست یا نیست اگر هست بماند و اگر نیست برود ولی اگر کسی باشد ببیند که هر دو طرفش عیب هائی دارد اگر صاف و پوست کنده بخواهد جلوی دوستانش بایستد و بگوید من جزو این نهضت ملی نیستم می بیند که این عیب هائی دارد و خوب نمیشود و اگر بضرر پیشوای این نهضت حرف هائی بزند باز مشکل میشود این است که این وضع ناگوار که با هیچ منطقی جواز در نمی آید پیش می آید بنده اگر عرضی کردم برای اینست که این مطلب را نمی توانستم تحمل کنم بنده این عرض را که کردم برای این بود که میدانم خارجها مترصد يك همچو روزی هستند مترصد هستند که بگویند ملت ایران در تحت سلطه يك دسته ای قرار دارد آقامت ایران روز ۳۰ تیر قدرت خودش را نشان داد این چیزی است که ملت ایران میخواهد اگر این شبهه در جای دیگر ایجاد شود وای بحاله ما وای بروز ما تمام زحمتی که ملت ایران کشیده است تمام صحبتی که نمایندگان ملت کردند و تمام کشت و کشتاری که شد و عده ای از نجیب ترین و اصیل ترین افراد این مملکت از بین رفتند این نتیجه را بخشیده است که این حرکت و این نهضت ایجاد شده این نهضت مال ملت ایران هست ما چه داعی داریم که بگوئیم آن هانت تاثیر هستند این چیزی است که برای بنده تحملش غیر ممکن است در بعضی از جرایم دیدم خیلی تعجب کرده بودند که بعد از آن که ماصحبت کرده بودیم باز آمدیم بپهلوی هم نشستیم و با هم صحبت کردیم خوب آقا

ما که غرور جنگی نیستیم بنده که عرض شخصی با آقای مشار ندارم ایشان بنده تصدیق دارم که عرض شخصی با بنده ندارند این هم بیرون نراند بیرون ما است که اشخاص بیجهت میگویند و بعد می گویند بیا آشتی بکنیم آخر هر چه بگوید آقا بنده نسبت بشخص ایشان عرضی ندارم ایشان هم که نسبت بنده بی لطف نیستند معذالک مرسوم اینست که میگویند بهایله با هم بنشینید و حرف بزنید آخر آقا چه میشود کرد آقایان مرا من خواستند که بیائید آشتی کنید آقا ما حرفی زده ایم بعد هم آمده ایم کنار هم نشسته ایم آقایان که خیلی تندند در اظهار افکارشان میخواهند شکم هم دیگر را پاره کنیم این در موقمی هست که خیال کنید يك بغضی بین بنده و ایشان هست و حال آنکه این طور نیست بنده ارادت بایشان دارم اگر هست نزاع و جدال بین دو فکر است بین دو ایده است و التیام پذیر نیست اگر بنده بای ایشان را ببوسم و ایشان هم روی سر بنده بنشینند آن ربطی باین قضیه ندارد بفریدر گریم دوباره بهمین قضیه مرعوب و فریذالک طوری این مطلب مرا گلایه کرده که هر چه فکر میکنم

نایب رئیس - آقای دکتر شایگان جناب عالی قدر وقت میخواهید

دکتر شایگان - الان تمام میشود بنده تمام صحبت هایم همین بود و کاری ندارم يك عرض دیگر داشتم این قسمت را در حضور محترم آقایان میخواهم عرض کنم که تمام آن اصلاحاتی که دوست صمیمی بنده آقای زهری اظهار فرمودند این مدلول يك مطلب است و آن عبارت از اینست که باید جمعی از آقایان متعده و متفقاً بنشینند و کار بکنند فکر بکنند مذاکره کنند و نقشه های اصلاحی در بیرون بکشند و ممکنات را در نظر بگیرند و بدهند بدست آقای دکتر مصدق که بفرایز خیر ملت چیزی نمی خواهد و الا بطور کلی مطالبی گفتن فایده ای ندارد (اشاره صادقی - اگر دیگران بدهند قبول نمیکنند؟) اشکال بر این است که تمام افراد این مملکت جدا جدا میخواهند این مملکت را اصلاح کنند این مملکت اینجوری اصلاح نمیشود بدلیل اینکه نتیجه نقشه های اصلاحی که همه شان درست است اینست که هیچ کاری انجام نمی شود اگر کاری انجام بگیرد و لو اینکه متوسط باشد یا خیلی نازل باشد باز بهتر از هیچ است نتیجه این اصلاحات که بنده يك چیزی بگویم آقای فرامرزی چیز دیگری دگر کیان چیز دیگری و آقای دکتر مصباح زاده چیز دیگری نتیجه این کار آن می شود که هیچ کاری نمیشود کرد هر جا اصلاحی شده باین ترتیب است که ملاحظه میکنید بگفته است حکومت را در دست بگیرند اینها ممکن است افکارشان

درد رخه اول نباشد ممکن است آن ها که موفق نشده اند حکومت را در دست بگیرند افکارشان درد رخه اول باشد ولی آن ها که آمده اند سر کار باید متعده و متفقاً بکنند را بخواهند تا شدنی باشد الان بعضی آقایان رسیده است که در امر یکامشغول انتخاب رئیس جمهور هستند با انتخاب رئیس جمهور قدرت آن دسته حسا که امر یکا تغییر میکنند چون ملت امر یکا میگوید این عده ای که می آیند باید مثل برادر با هم باشند و با هم کار کنند نه اشخاصی باشند که روی هم بایستند نه اشخاصی باشند که يك عده ای بگویند نقشه اصلاحی من اینست که باید املاک بزرگ را کوچک کرد یکی دیگر بگویند خیر املاک کوچک مطابق وضع افروز نیست برای آنکه بایستی ماشینهای فلاحی درجه اول در جاهای وسیع کار کنند و نظارش این است بایستی املاک وسیع پیدا کرد آقا هر دوی اینها قابل دفاع است هر دوی اینها وقتیکه عمل بشود سر مملکت يك بالینی است ولی وای بآن وقتی که هر دوی در مقابل هم بایستند این بگوید که (بیتی بر بریده) مالکیت جزه انجام گیرد و آن بگوید خیر مالکیت بزرگ اینست حکمت اینست که می گویند که بگفته است ای حکومت وای در دست بگیرند و برادروار بنشینند بحث کنند و نتیجه ای بگیرند و نتیجه را بدهند به آن حکومت بنده هر چه افکار اصلاح طلبانه درجه اول داشته باشم جناب آقای حاج آقا زار فقیح هم نظر به دیگری داشته باشند یا اینکه ایشان راه اصلاح را يك جور دیگری تشخیص بدهند که بنده هم همین را در نظر داشته باشم ولی هم دیگر را نبینم بعد بیاییم اینجا بنده يك چیز میگویم و ایشان چیز دیگر فایده ندارد بنده عقیده ام این است که تمام قدرت آقایان در این است که مجتمع باشند نقشه های اصلاحی را بدهند بنده بنده سهم خودم اینجا تفهید می کنم که اگر آقایان نشستند مسائل را حلای می کردند يك نقشه مثبت عملی داشتند بنده میبرم خدمت آقای نخست وزیر و از ایشان می خواهم که آنرا عملی کنند و هیچ نظری ندارند ولی در انجام محظور عجبی هست که آقا یکی میگویند برای پیشرفت کار این مملکت بایستی املاک را کوچک کوچک کرد و هر کدام را تصدی فرد معینی وا گذاشت فرضاً یکی دیگر میگوید که خیر صنعت دنیا و زراعت امروز دنیا اقتضا دارد که ماشینهای فلاحی بگذارند و در اراضی بسیار وسیع زراعت کنند خوب آقا دولت چکار بکند؟ اولی را قبول بکنند یا دومی را ولی اگر آقایان نشینند و يك نقشه و نظر معینی را در نظر گرفتند اجرامی شود این فرا کسیون ۳۰ نفری باید بنشینند صحبت بکنند و اوقات خودشان را صرف بکنند اگر کسی در وقت بخواست بنده يك چیزی خواستم و آقا يك چیزی خواست آنوقت نمیشود و وای

بوقتی که اعضائی از خود این فرا کسیون می آیند اینجا میگویند که آقا تغییر بشما کاری نیست و شما ای و کلائی ملت تحت تاثیر هستید و بنابراین حرف خیر و صلاح از شما بعید است

گویی - دولت بالاخره مسئول است جناب آقای دکتر شایگان

نایب رئیس - آقای قنات آبادی تامل بفرمائید برای بگیریم که جناب عالی بتوانید صحبت کنید

مشار - بنده آقای رئیس مطابق ماده ۹ اجازه می خواهم

قنات آبادی - ما خودمان طلب داشتیم بهمان ندانند

نایب رئیس - آقای مشار بعد از آقای قنات آبادی استفاده کنید

قنات آبادی - يك تصادف موجب شد که من امروز باز آقایان محترم رامزاحمت میدهم و مطالبی را که لازم می دانم و از نظر مملکت و ملت بیانش لازمست ایراد کنم بنده می خواهم يك مطلبی را با آقایان محترم عرض کنم و آن این است که ما برای مملکت هستیم و مملکت برای ما نیست باین معنی که ما نباید از مزایای این مملکت برخوردار باشیم باید اول مملکتی باشد و بعد ما از مزایایش استفاده کنیم و بنابراین هر فرد علاقمند بمملکت و استقلال و عظمت مملکت باید خودش را برای مملکت بدانند و دلها و مجلسها و نمایندگان و رجال و علما اینها برای مملکتند و بایستی برای مملکت عمل بکنند این مطلبی که الان چند جلسه است وقت مجلس شورای ملی را گرفته و در پیرامونش از طرف آقایان نمایندگان محترم مذاکرات مفصلی شده و حتی در بعضی از موارد کار بمناقشه کشیده این موضوع مجذوب و مرعوب اگر نظر آقایان نمایندگان محترم باشد بعد از آن جلسه ای که بنده اینجا علیه مجلس سنای سابق صحبت کردم و بنام نماینده ملت از موضوع قطع ارتباط با انگلستان اظهار مسرت کردم و با آقایان عرض کردم که وضع مملکت با آنجائی رسیده که باید مطالب بدون بدهی و بدون لاف گفته شود جناب آقای مشار همانروز مطابق صورت جلسه بيك مناسبتی که الان مناسبتش بطور نیست پشت تریبون تشریف آوردند و این کلمه تاریخی ایشان مجذوب و مرعوب را آنروز فرمودند البته من راجع بجناب آقای مشار نمیتوانم بگویم ایشان از بیان این کلمه سوء نیتی داشته اما قطعاً بيك اشتباهی بدون توجه کرده اند و آن این است که این جریانات اخیر که در این مملکت بوجود آمد همانطور که ما قرارداد ۱۹۳۳ را محکوم کردیم یعنی ملت ایران محکوم کرد که در يك معطرتور و وحشت این قرارداد منعقد شده آنکسانیکه بانهضت ملی مخالفت نمودند و آنکسانیکه با تصحیحات ملت و نمایندگان ملت برفع مملکت و برفع استقلال مملکت مخالف بودند و می دیدند که مطامع و منافعهای آنها دارد از بین می رود سعی کردند که در داخل پارلمان و در

خارج پارلمان این مطلب را شیوع بدهند که جبهه ملی و طرفداران آنها مجلس مردم و مملکت را فلان و بهمان را دارند - مرعوب میکنند و حال آنکه بخود آنها از آخر دوره شانزدهم چه آن کسانی که در خارج بودند و چه کسانی که در مجلس بودند میدانستند که یک قیام و نهضتی در سرتاسر کشور ایران بوجود آمده که این قیام و نهضت عکس العمل مطالب و جنایات ۵۰ ساله یا ۹۳ ساله یا ۱۵۰ ساله استعمار سیاه انگلستان است اما چون میدیدند که این نهضت هر چه دامنه اش وسیعتر بشود هر چه بجلو برود - منافع آن طبقه بیشتر در خطر می افتد لذا متوسل میشدند به یک تهمت‌هایی بسیار مبتذل مثلا میگفتند که طرفداران دولت و یا علاء قنندگان آقای دکتر مصدق و یا طرفداران حضرت آیت الله کاشانی اینها مردم را تهدید میکنند اینها فشار می آورند و حال آنکه اگر بقواهم طرفداران دولت و ارادتمندان بآیت الله کاشانی و مرعوب کنندگان را حساب کنیم میشود نود و نه و نیم درصد تمام مملکت ایران (صحیح است) من تصدیق میکنم من اقرار میکنم که یکدسته ای توی این مملکت مرعوب شدند یکدسته ای توی این مملکت ترسانیده شدند آن کسانی که ترسانیدند قاطبه ملت ایران بودند و آنهایی که ترسیدند سرسیردگان استعمار بودند باید هم ترسند اما اگر اینها ترسیده بودند اگر اینها جلوشان را نبگیرفتند اگر به اینها فرصت داده میشد مگر میگذاشتند که نهضت ملی ایران به این مرحله برسد ؟ دشمن ملك و ملت و دشمن استقلال باید ترسند من با همان مقدمه ای که عرض کردم فکر نمی کنم که جناب آقای مشار از بیان این - مطلب سوء نیتی داشتند اما این را تذکر می دهم که آقا این لفت این واژه را دشمنان همان نهضتی که شمارا بنام نمانده بمجلس فرستاد دشمنان آن نهضت ابداع و اختراع کرده و نهضت زدند و الا چه رعبی است ؟ چه نرسی است ؟ هر کدام از آقایان نمایندگان بشرطی که صحبت آنها بر خلاف مصالح مملکت نباشد شما بگوئید بگوئیم فاضل منم آقای نماینده محترم يك مطلبی را اینجا عنوان فرمودند بگوئیم یا اگر من فضاوت کردم که این مطلب بر خلاف مصالح مملکت است این فضاوت منطقی است و قابل اعتبار است نه بشرط فضاوت ملت بشرطی که ملت بگوید سخن این نماینده مطابق مصلحت نیست یا مطابق مصلحت من است و ممکن است آن شخصی که بر طبق مباحث صحبت کرده گویند خود والا وقتی ملت فضاوت بکند این چه دردی از ما انتقاد کردند

نایب رئیس خواهش میکنم آقایان تشریف نبرند بدون جلسه از اکثریتی انتقاد بفرمایند

قنات آبادی از آرزوی که ملی

شدن صنعت فقط در این کشور اعلام شد شمار دارنده مطالعه کنید ببینید روزی یکجور روزنامه و یا نواح و اقسام ساخته از نو این روزنامه را بر سر تا با فحش میدهد بد کتر مصدق بآیت الله کاشانی بنهضت ملی ایران اما چون اینها در نظر ملت ششتری ارزش نداشت این نویسندگان و فحش دهندگان محکوم شدند اینها رفتند و باز اینها بودند علاوه یک نکته بسیار خوبی جناب آقای دکتر شایگان اشاره فرمودند و آن این بود که بعد از آنکه قوام با آن توطئه آمد روی کار دیگر دولتی دست ما نبود انواع و اقسام تحریکات بر علیه حیات فرد فرد ما صورت گرفت (صحیح است) (حاج سید جوادی - کاملاً صحیح است آرزوی خطرناکی بود) تمام دستگاہها را قبضه کرده بودند حتی آقایان نمایندگان جبهه ملی و نمایندگان طرفدار نهضت ملی اینجا وسیله نداشتند تا با شهرستانها ارتباط بگیرند نه میگذاشتند که تلفنی کنند و تلگرافهایی که بمقصود تهران برای کاشانی یا برای آقای دکتر مصدق میرسد بدست آقایان نمی دادند این مردم را کی تحریک کرد ؟ جز میل خود مردم ؟ جز تصمیم خود مردم ؟ کسی مردم را وادار کرد که چهارروز در سرتاسر کشور اعتصاب کنند که یا باید قوام برود و یا ما بترسیم و اعتصابمان ادامه می دهیم (دکتر معظمی - بفرمائید که کشته هم دادند) معلوم است بعلاوه مگر ممکن است که یک قدرتی يك فشاری يك منبعی باشد که آدم را آن قدر ترساند که بگوید آقا برو جلوی نانک برو جلوی مسلسل اینها را ما مرعوبشان کرده بودیم که رفتند جلوی مسلسل ؟ خدا شاهد است که نه فراز رفقای محترم حزبی از اعضای فداکار مجمع مسلمانان مجاهد که روانشان شاد باشد در روز ۲۹ و ۳۰ تیر شربت شهادت نوشیدند بدون آن که در آن دو روزه اصلاً من فرصت داشته باشم کوچکترین تماسی با آقایان داشته باشم دستور حزبی ما همان طور که فرا کسیون تصمیم گرفته بود آرامش و سکون بود فقط بسبب خودشان به اراده خودشان برای بقای نهضت رفتند و شربت شهادت نوشیدند این کلمه این منطقی رعب از طرف دشمنان ملت ایران و دشمنان نهضت ملی ایران اختراع شد و العبد لله با اصطلاح خودمان نتیجه هم نگرفتند من تا کنون در عزم بکسی تلنگر نزده ام از صد نفری رسیده ببینید من بکسی در عزم تلنگر نزده ام حالا چون نمیخواهم بحث شخصی بکنم صرف نظر میکنم مطلب دیگری که می خواستم با اطلاع آقایان نمایندگان محترم برسانم این است که اکنون که کار ملت ایران باین مرحله رسیده ما نباید دست روی دست بگذاریم و نتیجه نگیریم البته تصدیق بفرمائید که فتح کردن مرحله است و بهره برداری از فتح و پیروزی مرحله دوم و تازوی است و بهره برداری از فتح و پیروزی یک کاری است مشکلتر از فتح و پیروزی ما برای آنکه بتوانیم

از این فتوحی که ملت ایران کرده است به قیمت این همه فداکاری بهره برداری کنیم یک مبارزه و مصیبت و دامنه داری علیه مظاهر استعمار یعنی هر گونه استعمار باید بکنیم این مطلب بارها گفته شده برای يك کسی که ایرانی است و خودش را متعلق بایران می داند از نظر او انگلستان و آمریکا و روسیه هیچ فرقی نمیکند (صحیح است) ما معتقدیم که با استعمار مداخنه جوی انگلستان در ایران مبارزه کردیم هر دولت مقتدر دیگری بخواهد در ایران اعمال نفوذ بکند و یا برای ما دسته درست بکند یا برای ما عامل بترشد ما با او مبارزه میکنیم (صحیح است) ما استعمار انگلستان را ترک نکردیم طراد نکردیم برای آن که جایش استعمار نوین امریکارا بیاوریم یا ما با سیاست استعمار انگلستان مبارزه نکردیم برای خاطر آنکه کشور ما بطرف کمونیسم برود برای مایکانه بیگانه است و این را بدانند عوامل بیگانه همان قدرتی که علیه استعمار سیاه انگلستان بوجود آمد و مبارزه کرد آن قدرت چون قدرت ملی ما است موجود است و با هر دولت استعمار طلب و استفاده جوی دیگری حالا بهر رنگی می خواهد داشته باشد می خواهد رنگش حفظ و حمایت حقوق توده های وسیع بوده باشد می خواهد رنگش نوع دوستی و کمک بفرهنگ باشد مبارزه میکنم من شنیدم در یکی از این آموزشگاههایی که از طرف غریبه های امریکا در ایران تأسیس شده اینها بعد از اینکه در آنجا تدریس زبان انگلیسی میشود فرزندان مملکت را با خواندن سرودهای مذهبی تبلیغ هم میکنند اینک بنده عرض کردم که شنیده ام نه خیال بکنید که از يك واسطه مجهولی شنیده ام خیر از یکی از اقوام خود بنده که در اینجا اسم نوشته بود و تحصیل می کرده او این مطلب را گفت بنده خیلی تعجب میکنم که این آقایانی که این کلاسها و این مؤسسات را بوجود می آورند و در باطن و معنی خیال استعمار ملل را دارند چرا اینقدر دور افتاده فکر میکنند؟ اینکارها را انگلیسها در دنیا که نه کردند برای آنکه ملتها را استعمار کنند میرفتند کلاس درس درست میکردند بهداری بوجود می آوردند تبلیغ میکردند در خلال تبلیغ و درس و سایر این امور با اصطلاح ظاهر پسند و خوش صورت منظورشان را عملی می کردند اینها با اینهمه تلاش و کوشش به نتیجه نرسیدند و آن روزی که ملت ایران برای مبارزه با استعمار قیام کرد اینها را محکوم کرد خیالی نکنید که این مبارزه ملت ایران با استعمار يك مبارزه محلی بوده مبارزه ملت ما با استعمار اصلاً معنای استعمار را در دنیا محکوم کرد با اصطلاح و روشکست شده مفتضح شد حالا آقایان آمده اند بحث عنوان خیره امریکا و فلان و بهمان کلاس درست کرده اند و بحث عنوان دادن درس این مسخره - بله بارها در آورده اند من از دولت میخواهم دستور بدهم که این کارها را ترک بکنند و

بگذارند کفار اساساً فرزندان ما برادران ما ابناء وطن ما وقتی بخواهند درس بخوانند توی این مملکت معلم بسیار است استاذ - او ان است بخواهند درس بخوانند احتیاج به تأسیس کلاس از جانب آنها نداریم بعقیده من احتیاج باصل ۴ ترومن هم نداریم چرا ؟ برای اینکه اگر هم مطلب آنطوریکه میگویند راست باشد ما حرفی نداریم کمک کردن به بهداشت کمک کردن بفرهنگ هر انسانی وظیفه اش کمک کردن به بهداشت و فرهنگ يك انسانهای دیگر است این بطور کلی ایما من نمیدانم چه طور شده که يك منطقه ای از کشور که فاقد همه مزایای زندگی است نه آب دارد نه بهداشت دارد نه کشاورزی دارد این اصل ۴ ترومن که میگویند که من آمده ام برای کمک بفرهنگ و بهداشت و کشاورزی و امثال اینها هیچ توجهی بدانجا نمیکند یعنی هیچ نمیخواهد که بیک مردم بدبخت و بی چیز و بی زندگی آنجا کمک بکنند برعکس میروند يك جاهائی که شاید مردم آنجا نمی خواهم بگویم از همه جهات مرفه هستند اما نسبت بسیار جاها وضعشان بهتر است آب بیشتر دارند میروند آنجا چاه میزنند ما حرف نمی زنیم می گوئیم این آقایان از این کمکها حسن نیت دارند بنا بر این ما چهارم عرض کنم که ما را به خیر شما امید نیست خواهش می کنم شر مرسانید بروید از مملکت ما ما خودمان ملت ایران خودش با همه دیگر برای اوضاع داخلی و این گرفتاریهایش يك فکری میکند اساساً ما باید این فکر را بکنیم که اگر ما بهم کمک بکنیم و احتیاج هم داریم و باید به دیگر کمک کنیم دیگر احتیاجی بکمک آنها نداریم باور کنید که این کمکهایی که دولت های قوی بدولتهای ضعیف در طول تاریخ کرده اند هیچکدامش توأم با حسن نیت نبوده است و در خلال همه این کمکها يك نیتهای شیطانی نهفته بوده است تحت عنوان این کمکها چه بلاهایی بسرمان آمده ما اصلاً این کمکها را نمیخواهیم حالا در داخل این اداره اصل چهارم ترومن چه اقتضای است این را انشاء الله يك موقع دیگر عرض خواهم کرد (حاج سید جوادی - سلام روستائی بی طمع نیست)

نایب رئیس - آقای قنات آبادی وقت شما قریب با تمام است

قنات آبادی - قربان من عرض خواهم نمود نشده بکمفقداری باقی مانده عرض خواهم نمود عرض کنم که برای نتیجه گیری از این فتح ملت ایران بایستی ما مبارزه علیه استعمار و مظاهر استعمار را از همه جهات شروع بکنیم بعقیده بنده یکی از مظاهر استعمار که بالقصص در این چند ساله که ملت ایران تحت عنوان ملی کردن صنایع نفت در سرتاسر کشور قیام کرده بود این نهایت برای این مملکت ضرر رساننده با استعمار خدمت کرده منتهی در مقابل صحبت و ایستادگی ملت ایران موفق نشد مظاهر استعمار و صنعت بکنند است که

دسته‌های چپ و راست در این دستجات که مطابق
مختلفه ای بخودشان گرفته اند در همین حال
که می گویند که ما متشکل شده ایم
برای مبارزه با استعمار آتومفی که ملت
ایران تحت عنوان ملی کردن صنعت نفت
متشکلا متحداً علیه استعمار قیام کردند و
اینها صف شکنی کردند و آن روز کار شکنی
کردند

نایب رئیس - آقای قنات آبادی سرکار
چند دقیقه وقت میخواهد

قنات آبادی - بنده بگرم

نایب رئیس - چون قبلاً سه ربع ساعت اضافه
صحبت شده است و ایشان هم بگرم وقت میخواهند

بنابر این آقایانی که بایک ساعت نطق اضافی
قبل از دستور (قنات آبادی - توضیح بفرمائید
که ۳ ربع را آقایان استفاده کرده اند
بگرمش را بنده می خواهم استفاده کنم)
۳ ربع ساعت استفاده شده آقای قنات آبادی
هم فعلاً یک ربع ساعت تقاضا مندند یعنی
فعلاً یک ربع وقت اضافی میخواهند بنابر
این آقایانی که بایک ساعت اضافه صحبت
موافقت قیام بفرمائید

دکتر بقائی - آقایانکه معنی ندارد
اگر آقایان نسبت به قبل رای ندادند چکار
میکنید

نایب رئیس - بنده کرسی مجلس
راترک میکنم آقایانی که موافقت دارند از
۳ ربع ساعت مقرر در آئین نامه امروز یک
ساعت اضافه برای نطق قبل از دستور
استفاده شده باشد قیام بفرمائید (اکثر بر
خاستند) تصویب شد آقای قنات آبادی
بفرمائید

قنات آبادی - آن روزی

که ملت میگفت ما باید استعمار را
در این مملکت تحت عنوان ملی کردن صنایع
نفتدر سراسر کشور محکوم کنیم این
آقایان با علم کردن فکر ابطال قرارداد
۱۹۲۲ کار شکنی میکردند و بعد هم در
این روزی که ملت ایران فقط بیک چیز
احتیاج دارد و آن آرامش در سرتاسر کشور
است و انگلستان در ایران آرزوی یک چیز
میکند و آن اخلال و ناامنی و تشنج زد و خورد
مبارزه دسته بندی طبقات بر علیه هم در
یکه چو روزی این آقایان چیزی که
آرزوی استعمار انگلستان است در سرتاسر
نقاط کشور عمل میکنند یعنی تبلیغ میکنند
اخلال میکنند دسته بندی میکنند چارو
جنجال میکنند بر علیه مصالح ملت و مملکت
توهین میکنند ناسزا میگویند بد میگویند
مبارزه با این مظهر استعمار و کارهایی که
از این طبقه در این مملکت صورت میگیرد
از وظایف حتمی و اولیه دولت و نمایندگان
محترم مجلس و ملت می باشد اما این مبارزه
باید صحیح باشد من از اول هیچوقت بمبارزاتی
که تا حال شده است معتقد نبودم چون همین
هم را با ما و دوستان ما کردند و ما دیدیم

آنها اشباه کردند ما با دولتهای گذشته
مبارزه کردیم دولتها فکر میکردند که اگر
متلاشمن قنات آبادی را بگیرند و بفرستند
زندان مطلب حل میشود یا اگر مرا بگیرند
بفرستند بگرم ما نشاء یا آقای دکتر بقائی را
بگیرند یا آقای آیت الله کاشانی را بگیرند
بفرستند بیروت و یا متلاً جناب آقای دکتر
مصباح را دور خانه اش را بگیرند و بفرستند
به احمد آباد یا سایر فشارهایی که در گذشته
بماورفقای ما وارد آمد نتیجه بخش است اما
هم ما هم آنها دیدیم که این کار ها نتیجه ای
نداشت جز اینکه ما در مبارزه سر سخت تر
مصمم تر جدی تر و از خود گذشته تر کرد
و نتیجه اش هم همین بود که دیدیم و بجائی
رسیدیم که دنیا به آنجا توجه کرد بنابر این
برای آنکه با این آلات با این ادوات و فعال
استعمار مبارزه شود باید از اساس کوبیده
شود باید برای این مملکت آنها تیکه تیکه تحت
عنوان کمونیستی دارند با استعمار انگلستان
خدمت میکنند اینها جلوشان سد بشود چه جور
سد بشود باید قدرت مثبت را از اینها گرفت
توی این مملکت نباید اجازه داد که یک کسی
که رسماً اعلام کرده که من کمونیستم چون
آقای اسمش را فراموش کرده ام
(اخگر - رادمش) آقای رادمش
در مسکو رسماً اعلام کرد
که حزب توده حزب کمونیست است و
من قطع نظر از اینکه از نظر منطق و
حساب دیگر با کمونیستی مخالفم و تربیت
شده مکتب دینم و درک کرده ام که کمونیستی
برای مملکت ما و برای مزاج بشریت
سازگار نیست و حالا البته جای بخش نیست
که دلائلش را عرض کنم بعد از آنکه آنها
این پرده را برداشته اند دیگر جای آن
ندارد که ما پرده پوشی کنیم و این مطلب
را هم باز میگویم من عقیده شخصی ام این
نیست که یک نفر ۲ نفر ۱۰ نفر بیست نفر
را بگیرند چون ما در خلال عمل همش
دیدیم وقتی هم میخواهند بگیرند و جلو گیری
از اخلال میکنند آن طبقات مردم بیگناه
را میگیرند آن طبقه ای که آلت شده اند
میگیرند آقا باید علت را از بین برد تا
بالتبع معلول خودش از بین برود وقتی که
توی این مملکت بعضی از عناصر کمونیست
مؤثرند میتوانند آزاد کنند میتوانند پول
خرج کنند میتوانند حقوق بدهند میتوانند
کمک بکنند این عناصر تا وجود دارند و
کارهای حساس هم دست آنهاست یا
کسانیکه نظیر آنها فکر میکنند یا روی
سیاستهایی با این طبقه کمک میکنند کارها
دست آنهاست و تصفیه نشده این رشته سر
در از خواهد داشت بنابر این اگر بخواهیم از همه
جهت با عوامل استعمار با آزار استعمار مبارزه کنیم
یکی از جهاتش هم گرفتن کار و قدرت از
دست این برجستگان و کسانیکه توی این
مملکت کمونیست هستند و کارهای حساس و
برجسته دارند و یکی از طرفی دیگری که

ما مجتماً میتوانیم علیه استعمار و مظاهر
استعمار مبارزه کنیم رفع این اختلاف و حشت
آور بین یک طبقه و طبقه دیگر از نظر
زندگی است

بسیار با آقایان ترومند و طبقه متمکن
مملکت یک کلمه حرف دارم و آن اینست
که آقایان یا واقعاً ادعایشان اینست که
مسلمانند و یا نیستند اگر مسلمان هستند
یا این اسلام اختراع خودشان است یا همانی
است که بانی اسلام پیغمبر اسلام این دین
و این مذهب را آورده اگر مقصودشان از
دین اسلام همان اسلامی است که پیغمبر
آورده و علی شاکر اول مکتبش است
علی علیه السلام شها گرسنه میخوایید توجه
میفرمائید جناب آقای نبوی؟ این را می
گویم که شما با آن متمکنین شهرتان هم
ابلاغ بفرمائید علی علیه السلام شب ها
گرسنه میخوایید عرض کردند که یا علی
شما چرا شبها گرسنه میخوایید؟ چرا غذا نمی
خورید و حال اینکه امیرالمومنین غذای
معمولیش هم نان جو بود فرمود من که
زمامدار هستم نمیتوانم شب با شکم سیر
بخوابم و در کشور اسلامی هزاران نفر
گرسنه سر بالین بگذارند حال که برای
من میسر نیست که شکم همه گرسنه ها را
سیر کنم خودم با آنها تشریک مساعی میکنم
منهم مثل آنها گرسنه میخواوم ای آقایان
متمکنین مملکت من کمونیست نیستم اما
این منطق اسلام و منطق قرآن است
این آقایان متمکنین مملکت که از مزایای
زندگی برخوردارند ثروت دارند پارک
بیلاقی و شهری دارند اتومبیل دارند انواع
واقسام نعمتها در اختیار آنهاست آیا
حیا نمی کنند بگویند ما مسلمان هستیم؟
و حال آنکه در مقابل چشم آنها هزاران
نفر از برادران مسلمان ما گرفتار شدید
ترین بدبختیها و گرسنگیها هستند هزاران
نفر هستند از طبقات مردم کارگر زحمتکش
و دهقان و زارع مملکت ما که بچها و عزیزانشان
در مقابل چشمشان از گرسنگی و نداشتن
دوا جان می دهند و باز یکمده ای توی این
مملکت اسمشان را گذاشته اند مسلمان و این
ها باید بدانند که اگر آنچه خدا گفته و
آنچه شرف و وجدان با آنها امر میکند امروز
اجرا نکنند اگر گرسنه های مملکت ما
شکمشان سیر نشود اگر آن بچه ها و
اطفالی که از شدت بیدوائی در مقابل چشم
اولیای مملکت و پدر و مادرشان دارند جان
میکند برای آنها مسکن تهیه نشود
و دوا تهیه نشود یعنی با همین بی خیالی
که امروز دارند این منظره را نگاه
میکند و این بدبختی و این فقر و این
مسکنت را یا همین بی خیالی نگاه میکنند
اینها باید بدانند که بیکروزی خواهد رسید
که تمام این ناز و نعمت و تمکن و تمین و
تشیخ بقهر از آنها گرفته می شود و

بکولشان زنبه گذاشته میشود این عکس
العمل این وضع غیر قابل دوام است یک
مطلب دیگری هم بنده میخواهم از حضور
آقای دکتر فاطمی وزیر معتمد امور خارجه
و سخنگوی دولت استفاده بکنم و تذکر
بدهم چندی پیش شایع شده بود که یک
لایحه ای در صدد تصویب است که یک مقداری
از ثروت آقایان ثروتمندها گرفته شود بعنوان
مالیات یا بعنوان دیگر (اقبال - از اینکارها
نمیکنند)

نایب رئیس - آقای قنات آبادی ۳ دقیقه
دیگر وقت دارید

قنات آبادی - بسیار خوب اجازه

بفرمائید من الان یک مطلبی پیشنهاد
میکم خیلی هم راهش آسان است خیلی هم
سهل الوصول است و یک مشکلی هم در این
مملکت از روی مشکلات برداشته می شود
اولاد دولت یک اقدام سریعی برای تنزل اجاره
بها بکنند (صحیح است) چون دیگر واقعاً
اجاره نشینها که خود مخلص هم یکی از آن
هاست واقعاً مستأصل شده اند واقعاً دیگر
حکارد با استخوانشان رسیده بهلاوه لازم
نیست که چند درصد اموال مرا بگیرند دولت
یک لایحه بیاورد ما هم تصویب میکنیم که هر
مستأجری ، سالی دوماه از اجاره ای را که
بمالک می دهد بمنوان مالیات فوق العاده به
دولت بدهد و آن قبضی هم که از دولت می
گیرد بجای همان قبضهائی باشد که باید از
موجر بگیرد اداره فوق العاده هم لازم ندارد
تشکیلات فوق العاده هم لازم ندارد خرج
زیاد هم ندارد فقط این قانون تصویب
شود مأمور اجرای این قانون هم خود
مستأجری باشند و خود مستأجری هم دو
ماه مال الاجاره را تقدیم میکنند یک کمک
بسیار مؤثری از این طریق برای دولت
می شود و حاضر ام اگر هم آقایان توضیحات
بیشتری بخواهند خدمتشان بدهم

(۳) **بیانات آقایان: مشار**

**دکتر شایگان و خلغالی بعنوان
ماده ۹۰ آییننامه**

نایب رئیس - آقای مشار جناب عالی

اخطار نظامنامه ای دارید؟ (مشار - بلی)
پس خواهش میکنم بطور اختصار بفرمائید
مشار - بنده تقصیری ندارم ببینند
زیاد حمله میشود و باید از خودم دفاع بکنم
واقعاً خیلی حیف است که آدم وقت مجلس
شورای ملی را برای مسائل خصوصی خودش
تفریط بکند و این گناه بزرگی است بعقیده
بنده اما این گناه از طرف بنده نیست
همچنان که خود آقایان ناظر و شاهد بودند
این موضوع از طرف آقای خلغالی طرح
شد و آن تشنجات هم پیش آمد و کار با اینجا
کشید (خلغالی - بنفع مملکت است ماده
۹۰) خیلی خوب حالا اگر بنفع مملکت
هم هست ناپستی که خادمین مملکت را
مورد تعرض و حمله فرزنداد بنده شصت سال

از صرم میگردد و از سن ۱۶ سالگی یا ۱۷ سالگی بخدمت وزارت خارجه وارد شدم آقایان اعضاء وزارت خارجه و خود جناب آقای کاظمی که اینجا تشریف دارند باین مسئله سابقه دارند و در تمام طول مدت خدمت جز خدمت صادقانه و جسمی و کوشش در دفاع از حقوق ممالک و حقوق افراد کار دیگری نکرده ام (صحیح است) در وزارت خارجه وارد شدم ، ثباتی کردم ضابطی کردم منشی اداره روس بودم و وقتی که منشی اداره روس بودم در آن زمان زمان تزاری بعد از چندی معاون آن اداره مرحوم میرزا هاشم خان گفت که سفیر روس در ملاقاتی که با من کرد گفت که سبک تحریر اداره شما تغییر کرده ، کیست که حالا این چیزهای تازه را مینویسد ؟ گفتم شما چه فرمودید ، گفت من گفتم منشی تازه ای داریم روی ذوق خودش یک چیزهایی می ویسد آن روزی که مرحوم احمد شاه قصد مهاجرت کرد (حاج سید جوادی - بیرونش کردند) نایب رئیس - در اصل مطلبی که تعریف شده صحبت بفرمایید راجع به خودتان که چیزی نگفته اند

مشار - اصل مطلب را عرض میکنم نسبتهایی بنده دادند که باید دفاع کنم **نایب رئیس -** اصل ماده ۹۰ می گوید که اگر شما اهانتی شده یا مطلبی از جنابعالی تعریف شده میتواند توضیح بفرماید

مشار - آقای دکتر شایگان ضمن گفته هایشان گفتند که بنده مذنب هستم آقایان قنات آملی ضمن فرمایشاتشان فرمودند منماینجا برای منفعت مملکت حرف میزنم بنا بر این اگر یک کسی حرفی بزند که بگویند خیانت به مملکت است بساید جواب بدهیم ، دیگر چیزی برای ما باقی نگذاشتند ، همه چیز را گفتند ، آن روزی که مرحوم احمد شاه به مهاجرت میرفت مدیر اداره روس از کاخ گلستان آمد توی اداره روس ، خیلی پریشان حال ، ما منیها بودیم در اداره ، جمع شدیم و گفتیم که چه خبر است ؟ گفت یک همچو تصمیمی پیش آمده و اوای بحال مملکت ، چه کار بدی شد ، چه تصمیم بدی شد و یک سلسله از این حرفها و پستی بنویسیم به این سفارت که ما قصد مهاجرت داریم من هم حال این حرفها را ندارم ، یسوسف خان تو بنشین بنویس منم نشستم و نوشتم چون وارد بودم بکارهای اداره تعریرات و با سفارت روس متصل در مکاتبه بودیم ، یک متحدالمالی بعنوان آن سفارت نوشتم و استدلال کردم که شما در ملک ما آمدید و با رحمت دادید و ما بیطرف بودیم شما در آذربایجان چکار کردید در قزوین چکار کردید خلاصه بایک شرح مفصلی و بالاخره آخر نوشتن که این فعالیت و اقدامات شما ما را ملزم کرد که دولت ما او را محضرت

احمد شاه از طهران مهاجرت بفرمایند و ما از این ساعت میرویم پایتخت را عوض میکنیم و از این ساعت هر پیش آمدی که بد یا خوب پیش بیاید مسئولیتش بای شماست من که این کافلدرا مینوشتم ، تمام اعضاء دوروبر من بودند و مرحوم حاج محبتهم السلطنه وزیر خارجه آمدند و این کافلدرا از من گرفتند و سریا مطالعه کردند و گفتند یا کنویس کن خودشان هم یک اصلاحی کردند در او و من یا کنویس کردم و فرستادم ، البته آن مهاجرت واقع نشد و شرح مفصل است که حالا جای بیانش نیست ، بعد از چندی آن کابینه که کابینه مرحوم مستوفی بود رفت یعنی بعد از دو روز کابینه رفت و کابینه دیگری آمد و وزیر خارجه دیگری آمد و دست بکار شد و در وزارت خارجه آمدند یک تغییراتی دادند مثل همان کودالی که آقای زهری فرمودند که در مملکت ما هست و مثلش همین است که هر روز ادارات را می آیند و تغییر میدهند و عوض میکنند ، همانطوریکه فرمودند که خاکها را میریزند بیرون و بعد دوباره بر میکنند آنوقت هم یک همچو کارهایی میکردند همان مصداق فرمایش آقای زهری است ، بعد از آنکه ما میخواستیم برویم سر کار دیدیم صورتی آنجا زده اند و اسم من هم آنجا بود گفتم ما را چرا میزنید گفتند سفیر روس با شما مخالفت کرده و شما را قبول نکرده البته من بعلمت خدمات صادقانه ای که در اداره روس کرده بودم و مورد تصدیق همه اعضاء حتی وزیر خارجه که آنوقت آقای صارم الدوله بودند بود و ایشان راضی نشدند که بمن یک همچو ظلمی شده باشد و در عوض این کار بمن نیابت سفارت پاریس را ارجاع کردند که بنده نرفتم سر آن کار و گفتند دیگر ممکن نیست که شما را اینجا نگاهداریم ، این سابقه است و کار من بوده در اوایل سنم ، روح من همیشه نسبت بر ملت و مملکت اینطور بوده که دفاع میکردم و خارجها هم ملتفت بودند که من بر علیه آنها راجع بمنافع مملکت از قدیم و قلم کوتاهی ندارم ، بعد از آنهم در دوره های دیگر که در هر وزارت خانه ای رفتم و کار کردم ، وزارت کشور ، وزارت فرهنگ ، بالاخره جاهای دیگر همه جا سبب نفر و چهارصد نفر و پانصد نفر اعضاء افراد دارد اگر یکی از اینها شهادت داد که من درجائی برخلاف مصلحت ملت و مملکت قدمی برداشته ام من مستحق همه جور توهین و مذمت هستم ، در زمان رضاشاه در کابینه فروغی که بنده هم کفیل وزارت فرهنگ بودم در آنجا هم یک چیزی پیش آمد و آن این بود که در کابینه راجع بیک پولی که بایستی میدادند ، وقتی که قرار شده بود پلیس جنوب را تحویل بگیرد ضمن

او در بودجه یک مبلغی گنجانبه بودند که با آنها بدهند ، بنده با این مطلب مخالف بودم و گفتم که بجای نیست اینکار را بکنید ، ولی بالاخره زور من نرسید که در آنجا حرفی بزنم وقتی کابینه فروغی از کار افتاد من رفتم بخانه مان و خدا میداند دیگر میل نداشتم که عقب کاری بروم ، اصلا میل نداشتم دیدم زمانی شده است که با اخلاق من دیگر متناسب نیست و نمی خواستم دنبال کاری بروم معذالك وقتی آقای تدین وزیر فرهنگ شد بیک وضعیتی خود ایشان و رفقایشان آمدند و گفتند که شما با آقای تدین سابقه دوستی دارید بیاید کمک کنید شما کفیل وزارت فرهنگ هم بودید حالا خواهش میکنم که شما دومرتبه معاونت این وزارتخانه را قبول بکنید و آقای تدین کمک بکنید و هر چه امتناع کردم نشد ، آنها اصرار کردند آمدم در آن زمان لایحه آوردند در مجلس آقای نصرت الدوله لایحه ای آورد در این مجلس که دکتر میلیسیو را دیگر بکار نگیرند و اخراج بکنند من در آنروز در این مجلس با آنکه معاون وزارت فرهنگ بودم ، شاید آقای ملک مدنی و آقای دکتر طاهری نظرشان باشد کوشش کردم و این مجلس را از اکثریت انداختم و نگذاشتم که مجلس آنروز تشکیل بشود برای این که رای ندهند بآن پیشنهاد نصرت الدوله و مجلس از اکثریت افتاد و من که آمدم خانه وقتی پس فردایش مجلس تشکیل شد بمن تلفن کردند که شما نباید دیگر بوزارت بروید و نه بمجلس بیایید بمناسبت اینکه حمایت کرده بودم از میلیسیو که واقعا آن میلیسیو غیر از این میلیسیوی ایندفعه بود و خیلی از زمین تا آسمان با هم فرق داشت (صحیح است)

نایب رئیس - مختصر بفرماید آقای مشار **مشار -** بلی اینطور شد و ما بعد از او گفتیم دیگر خلاص شدیم و نمیرویم ولی معذالك باز از طرف دربار ما را کشیدند و خلاصه قبول نکردیم و رفتیم بمنزل و در آن موقع خدا میداند که حاجت بخدمت و گرفتن چند تومان حقوق هم داشتم معذالك رفتم بخانه ام و دیگر هم نیامدم سر کار برای اینکه وضع کار آن زمان را نپسندیدم همان وقت از طرف کمیائی نفت یک گزارش ها و رایرتهای سالیانه راجع بیبلان شان و کار هایشان صادر میشد و بهمه جا می فرستادند خانه من هم فرستادند ، من گفتم که این را بپرس بنده و بگو دیگر نیاروند این احسانات من بود و این چیزی نبود که بخواهم عرض کنم ولی من نسبت باجنبی واجنبی پرست در تمام دورانی که بودم مخالف بودم و نوشو قتم و خدا را شکر میکنم که این ذوق و عقیده در من بوده ، این رویه کار من بود

و دیگر هم وارد کار نشدم تا بیست سال در خانه شستم و کار نکردم تا آنوقت که آقای ساعد نفست وزیر شدند ایشان هم چند دفعه میخواستند که قبل از آن مرتبه وزارتشان مرا بخدمت دعوت بکنند و هر دفعه از طرف خارجه ایجا دعوت می نمودند و این مطلب را آقای مقانی که در آن کابینه بودند و قرار بود که بنده را ببرند بمن فرمودند در کابینه دیگری که تشکیل شد همین محظورات بود اما همین آقای کاظمی و گویا آقای دکتر نعیمی هم آنجا اقدام کردند آنهم بیک ترتیبی ، یعنی بقول خودشان زرنگی بخرج دادند یعنی وقتی که میخواستند وزرا را بشاه معرفی کنند گفتند با آقای ساعد که مشاور اعظم را وزیر پست و تلگراف معرفی کن و ساعد هم چون با بنده سابقه داشت دیگر مضایقه نکرد و من هیچ اطلاع نداشتم و در همان کابینه موضوع امتیاز را امریکائیها آوردند و طرح کردند جناب آقای کاظمی و بنده با این مسئله مخالفت جدی کردیم ، ایشان شاهد هستند ، حاضر نشدیم که این نفت بکمیائی امریکائی داده شود و آنروز آنرا رد کردیم و بالاخره در اطرافش صحبتها شد ، گفتند که این مذاکره شده ، صحبت شده ، چون پرونده خیلی زمختی پیدا کرده بود گفتند که چطور می شود اینکار را بکنید ما گفتیم که بروید بگوئید اینکار شدنی نیست و آنها هم شفاها گفتند و امریکائیها هم رفتند بعداً موضوع کافتارادزه پیش آمد و لازم نیست عرض کنم که چقدر پافشاری کردیم همه پافشاری کردیم و از همه بیشتر من پافشاری کردم من آنوقت از طرف دولت سخنگو هم بودم همینطور که آقای دکتر فاطمی حالا هستند بنده سخنگو هم بودم با روزنامه نویسه و مدیران جراید صحبت میکردم در باره عملیات کافتارادزه و دیگران و عمل قشون روس و انگلستان که بایران حمله کردند این آقایان مدیران جراید شاهد هستند که من آنوقت بر علیه فعالیت و آمدن قشون روس و انگلیس و قراردادی که انگلیسها پیشنهاد کرده بودند ، چه چیز ها نوشتم ، یعنی آن زمانی که همه وحشت داشتند و جرات نمی کردند حرف بزنند ، نمیدانستند که این قشونیکه آمده است چکارها می خواهد بکند بنده نترسیدم و گرچه خیلی مورد تهدید واقع شدم ولی خوب بالاخره عقیده ای داشتم و بخودم نمی توانستم هموار بکنم که در مملکت ما قشون اجنبی بیاید و من ساکت بنشینم و عقیده داشتم که آدم باید این حرفها را بزند

نایب رئیس - آقای مشار خواهش می کنم مختصر بفرماید **مشار -** این بود شرح زندگانی بنده ، من در تمام عمرم در دوره ۲۵ سال خدمتی که در دستگاه دولت کردم حماسه را

تحويل میدهیم که پیش ازده دوازده هزار تومان پول نگرفتم چون اول کار که بیست تومان بیست و پنج تومان حقوق بود در اواخرش هم يك پولی این رفیق ما با داد که آنهم در همتن وزارت بیست و تینگر افتد...
 ده دوازده هزار تومان بنده گرفته‌ام که آنرا هم پنج برابرش را مالیات داده‌ام بابت مالیات هیچ حسابی ندارم اگر کسی دولت یا اشخاص دیگر سراغ دارند که پیش ما یکشاهی پول مملکت هست من بموش يك ماهی صد دینار تحويل میدهیم بفرمائید حساب ما را برسید این قانون از کجا آوردی که خلاف منطق هم هست و با اصل الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم مخالف است من در مورد خودم با آن قانون هم موافق هستم بیاید بحساب من برسید يك کسی که يك تکه ملك دارد و يك تانی میخورد این چیز فوق العاده ای نیست حالا چشم مرا در آورده اندهی تعرض می شود بنده شده ام رکفر در صورتی که این چیز فوق العاده ای نیست (دکتر بقائی - آن قانون از کجا آوردی روی قاعده السارق السارق است نه روی قاعده الناس مسلطون) خنده نمایندگان) جز آقای نریمان که از ایشان متشکر هستم همه میگویند و ایشان هم گفتند که شما از آن طبقه متنازه هستید قطعاً آقای نریمان که با ایشان يك کردنی کنار دربار رفتیم و ایشان اتفاقاً دیدند که کسان من در آن يك قطعه زمینی که هست يك فعالیتی دارند و بنده چیزی ندارم لایب رئیس - آقای مشار تمام

اگر در حضور جمعی در حضور رفیقی دوستی می‌خواهم حرفی بزنم از من حرفی در نیاید که احساس بشود این حرف دو روشنی است و ممکن است که يك طوری تغییر بشود من فوق العاده از این چیزها احتیاط دارم حالا هم نه شانه بنده يك عریضه ای خدمت آقای عرض کردم لابد طرح هم کرده اند و قبول هم فرمودند بنده جزء نهضت ملی نیستم این حرفها که آقای دکتر شایگان میزنند فحش است تذبذب فحش است چه معنی دارد؟ (دکتر سنجابی - توصیفی بود) ایشان حساب نمیکنند که تذبذب فحش است فحش می‌دهند امانی خواهند جوایش را بشنوند بدشان می‌آید آقا تذبذب فحش است نباید بکسی فحش داد برای چه فحش میدهید این نطقی که آقای دکتر شایگان اینجا کردند در بیاناتشان هزار چیز بنده گفتند ولی من تا صعبی از کافتار ادره کردم ایشان بدشان می‌آید ایشان وزیر کابینه قوام السلطنه بودند از طرف کابینه قوام السلطنه آمدند پیش من ترا بخدا اوقاتتان تلخ نشود اجازه بدهید حرفهایم تمام بشود شما خودتان گویا با آقای عامری بودید یا يك کسی دیگر آمدید حضور اعلیحضرت همایونی و راجع با انتخابات دفاع میکردند از آن انتخاباتیکه از طرف قوام السلطنه در تهران بعمل می‌آمد شما از طرف قوام السلطنه آمدید شما در آن کابینه بودید و تشریف آوردید در آن کابینه قوام السلطنه يك قرارداد و عهدنامه ای با روسها منعقد شده بود من اگر اشتباه کردم کردم حالا اشتباهم را پس می‌گیرم اما گویا اینکار شد و بعد آوردند مجلس مجلس هم قبولش نکرد و يك ترتیبی گفتند قوام السلطنه سوت نیت ندارد و تعقیبش نکردند والا همانوقت باید بآن مردجانی اعلام جرم می‌کردند و نعت معا که اش میکشیدند همان کابینه را هم نعت توضیحات و بازرسی می‌آوردند که شما و زرا چه پنججوری رأی دادید برخلاف قانون اساسی و برخلاف آن ماده مخصوصی که برای موضوع نفت مخصوصاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب شده بود يك هم چون قرارداد با آنها بسته شد منتهی مجلس آن قرارداد را تصویب نکردند پس من اگر يك چیزی گفتم در مقابل صحبتهای شما شما می‌توانید هر چیز در اینجا بگویند من چیزی نگفتم که اینهمه معترض من شدید من گفتم که جمعی مرعوبند و جمعی مجذوبند بسیار خوب این يك حرفی است از نظر پارلمانی و کلانیت بهم دیگر می‌توانند حرف هائی بزنند و بگویند که آقا شما چرا اینکار را اینطور کردید چرا اینطور اظهار عقیده میکنی؟ مطابق عقیده ما رأی نمی‌دهی مرعوب شدی ترسیدی حالا این حرفها را مردم قبول کردند و گرفتند بيك عنوانی این دیگر اینهمه بحث نداشت که آقای خلغالی ششیرش را پشت این تریبون کشید

من حرفی نزنم بچه مناسبت بین جمله می‌کنید ما با هم پدر کشتگی که نداریم من کاری نکرده‌ام و هر چه کرده‌ام بصلاح این مملکت بوده است خلاف مملکت هم که تا با امروز کاری نکردم درست است من خودم تربیتیم پدرم مسادرم این آقای قنات آبادی از پدر خودشان سؤال کنند که جعفر خان مستوفی چه جور آدمی بوده و چکاره بوده؟ خودش از پدرش پرسد یا از حضرت آیه الله کاشانی و جناب آقای دکتر مصدق که سی سال هم هست با آنها ارادت دارم هر چه آن‌ها درباره من شهادت بدهند من قبول دارم يك محکمکه تشکیک بدهند که از آقای آیه الله کاشانی فقط بروند پرسند و از آقای دکتر مصدق که این مشار اعظم چکاره است اگر گفتند که این پولی برده پولی خورده بنده رابه دار بکشند و اگر آقای کاشانی و آقای دکتر مصدق گفتند که این بیچاره همیشه بمملکت خدمت کرده است هر خدمتی از دستش بر آمده ب مردم مملکت و بجهت ملی کرده است چه سعی من کردم که بجهت ملی را نگهداشتم چه کوششی کردم حالا باید این حرفها را بمن بزیدد البته من نمیخواهم این جای خود حرف بزنم درست است این مردم تهران من خودم اعتراف میکنم که سفارش آیه الله کاشانی و عده ای از رؤسای تجار و اصناف بمن رأی دادند و يك مقداری هم همین آقای دکتر بقائی و حزبشان حزب زحمتکش از زحمت کشیدند و ما را وکیل کردند از تهران خیلی هم متشکریم اما منکه وکیل تهران شدم حالا باید دین ایمان وجدان و همه چیز را زیر پایم بگذارم و با اگر شما یکجائی بروید منم تفهیمه پشت سر شما بروم من اهل این حرفها نیستم بخدا نیستم اگر مردم تهران من را بگیرند و به عرش ببرند مرا تجلیل بکنند وقتی که پائین بیایم من آن عرش را فراموش میکنم چیزی که برای من میماند عقیده است من دیگر حرفی نمی‌زنم و این یادداشتها را هم که دادم هیچکدام را نمیگویم من نمیخواهم بیخود تصدیق بدهم حرف زیاد است و هزارتا یاد داشت داشتم اما جایز نیست که شما بمن بيك کسی که در تمام عمرش بملتش بمملکتش خدمت کرده است این نسبت ها را بدهید من در خدمت بملت و مملکت والله خودم را از هر صیبي منزله و مبری میدانم هیچکس نمی‌تواند بمن همچو نسبتی بدهد و اگر هم حرفی زدم حالا خوشوقتیم که آن حرفم اثر نکرد برای اینکه هم رعیتان کم میشوند هم جلدتشان لایب رئیس - دونه از آقایان طبق ماده ۹۰ تقاضای صحبت کرده‌اند

دکتر شایگان - عرض میکنم به حضور آقایان اگر بجای همه این حرفها يك کلبه میفرمودند که من از جبهه ملی بیرون رفتم و مخالف جبهه ملی هستم من دیگر حرفی نمی‌زنم و تمام میشد (مشار - از جبهه ملی رفتم از نهضت ملی رفتم) ایشان تا دیروز افتخار میکردند که من عضو جبهه ملی و نهضت ملی هستم چطور شد حالا اینطور میگویند ما از خدا میخواهیم اگر فقط تفوه میکردند در اولین نطقشان که من از فراکسیون نهضت ملی کنار گرفتم اصلاً من ایراد نمی‌کردم ایراد بنده راجع بتذبذب تذبذب یعنی همین که کسی عضو نهضت ملی باشد و مجلس را بگوید که مرعوب دولت یا شخص شده من این را گفتم اگر ایشان میفرمودند که من از فراکسیون نهضت ملی بیرون رفتم چیزی نمیگفتم خیلی معذرت میخواستم عفو می‌فرمایند ثانیاً بنده راجع بشروت ایشان و راجع بخبیات ایشان عرضی نکردم خیانت قصدمیخواهد چون خیانت جرم است و جرم قصدمیخواهد اگر کسی عالماً عامداً آمد اینجا حرفی زد و خواست علیه مملکت حرفی بزند آن خیانت است والا ممکن است که بنده از شدت بلاهت بیایم اینجا حرفی بزنم و آن نتیجه اش عاید مملکت بشود آن البته بواسطه اینکه بنده ابله هستم البته مصون می‌گویند آقا این بدبخت ابله است اما نتیجه اش هست نتیجه اش بضرر مملکت است (مشار - بلاهت مرامت ایران قبول کرد) بنده عرض کردم که يك کسی از شدت بلاهت بیاید حرفی بزند اما راجع باین مسائلی که راجع بنده گفتند به من گفتند که من کافتار ادره را تأیید کردم ایشان میگویند که کافتار ادره در ۲۳ آمد و بنده در ۲۶ وزیر بودم چطور ممکن است که من کافتار ادره را تقویت بکنم بعد دیدند نه این نشد بعد معلوم شد که من آنجا در کابینه قوام يك خیانت هائی کرده ام و این عبارت از این است که افرادی که اینجا بر علیه ما بر مخالفت با ما صحبت می‌کردند مکرر در مکرر میگفتند که بنده جزء کابینه قوام السلطنه بودم ولی بنده که جزء کابینه قوام السلطنه بودم کسی نبودم که از کوچه دستم را بگیرند و بیاورند در کابینه بنده معاون وزارت فرهنگ بودم ایشان آمدند مرا دعوت کردند بکابینه بنده گناهی که کردم این است که این دعوت را پذیرفتم یعنی اطلاعاتم باندازه اطلاعات حالا نبود که نباید پذیرفته باشم و بنظر خودم هم جز خدمت کار دیگری نکرده‌ام میگویند من علیه ملیون اقدام کرده ام اقدامی که ایشان میگویند بر علیه ملیون من انجام داده ام عبارت از این است که بنده در کابینه قوام که بودم آقای قوام تصور اینکه بنده سواً این ارادت با آقای

دکتر مصدق دارم و همینطور هم هست من از زمانیکه از شیراز آمدم بایشان از شیراز خارج شده و از آنوقت بایشان ارادت می ورزیدم (فغان آبادی - شصت سال پیش) شصت سال پیش از آن سال سن اهمیت ندارد بنده بایشان از آن موقع بوده ام و ارتباطم قطع نشده است و دلیلش هم اینست که من کتابخانه ایشانرا برای مدرسه حقوق در همان حیر و بیر گرفته ام بنابراین ارتباط بنده بایشان قطع نشده است کابینه قوام السلطنه که می دانستند من نسبت بایشان ارادت دارم و ممکن است حرف من مسووع باشد.

مشار - اینکه میگوئی جواب حرف های من نیست برادر

نایب رئیس - مختصر بفرمائید .
دکتر شایگان - بنده باید جواب

ایشانرا بدم چشم مختصر می کنم . ما رفتیم خدمت جناب آقای دکتر مصدق این مسئله که بعداً مطرح شد در جلسه ای که آقای دکتر مصدق بودند و تأیید کردند عرایض مرا (مشار - کی تأیید کردند؟) جناب آقای عامری هم بامابودند گفتند که بروید رفتیم گفتیم که از طرف دولت آمدم که به بینیم که آقایان راجع بانتخابات چه میگویند آقای دکتر گفتند که ما بدولت حرفی نداریم ما آمدم اینجا بشاه مملکت میخواهم حرفان را بزیم دیگر آنجا نه حرفی زدند نه صحبتی و نه دعوائی ما هم آمدم بیرون و خود آقای دکتر مصدق در موقعی که یکی از و کلاه مجلس برعله من حمله کردند در جلسه خصوصی آقای دکتر مصدق عرایض من را تصدیق کرده حالا ایشان کاسه از آتش گرمتر شده اند .

حالا چه شده که آقای دکتر مصدق به بنده لطف دارند آخر چه شده خود او ملتفت این مسائل نیست . آقا خوب است بعداً از این اشتباهات نکنند و نگویند که بنده در کابینه ای بوده ام که قرارداد بسته است با روسها بنده در آن کابینه نبودم و بعد آمدم منتهی کسی که میخواهد حرف حق بشنود هر چه بپوش بگویند که این نور آفتاب است میگوید که خبر این اثر چراغ است بنده بایشان میگویم که در آن کابینه نبودم و بعد وارد شدم تاریخ را که نمی شود عوض کرد و زیور زو کرد من در کابینه ایشان در آنوقت نبودم بعد وارد شدم این را بنده می خواهم حضور آقایان عرض کنم و عرض کنم که بنده خیلی خوشحالم و خیلی متأسفم خوشحالم از اینکه ایشان حرف زدند و متأسفم از این که نکند باشند که من مقدار بیشتری حرف بزنم تا مطالب روشن شود .

نایب رئیس - آقای خلغالی راجع بشما که صحبت نکردند .

خلغالی - چرا فرمودند که خلغالی حرف بی ربطی زد .

نایب رئیس - پس خیلی مختصر بفرمائید .

خلغالی - من متأسفم که این مطالب وقت مجلس را گرفته است و خوشحالم که

یک موضوعی مطرح شد که بقول خود آقای مشار که می فرمایند زبانه زده ام و خاص و عام قرار گرفته ناپخته نمائید مخصوصاً استاد دانشمند جناب آقای دکتر شایگان خوب شکافتند و دلیلی که من اینجا ذکر کردم یکی از نقطه نظر خودم بود که عرض کردم و عرض می کنم که من بفک تعظیم نمی کنم نه مرعوب میشوم و نه مجذوب و یکی هم مربوط بمجلس بود مجلس هفدهم کار های درخشانی در این اواخر کرده که مایه افتخار مشروطه است (صحیح است) من مخصوصاً در اولین عرضم از جناب آقای مشار دفاع کردم بطوریکه آقای کریمی متوجه شدند و فرمودند که اجازه بدهید خودش دفاع کند من نظرم هرگز توهین نبود و الان هم عرض میکنم سن من تجربه من بمن اجازه نمیدهد بشخصی مثل ایشان جسارتی بکنم منتهی از نظر ملت ایران و مملکت دیدم این حرف صحیح نیست من نماینده ملت بودم هم از خودم و هم از مملکت دفاع کردم و اکنون هم متأسفم که ایشان بجای اینکه عذر خواهی بکنند باز هم می آیند میگویند که یک عده ای مجذوب هستند و یک عده ای مرعوب من هم از طرف خودم عرض کردم با جسارت نسبت به آقایان دیگر که از هر حیث بر من برتری دارند عرض نکردم برای این بود که ممکن است یک عده ای مرعوب باشند همانطور که آقای شمس فرمودند مرعوب ملت ایران و مرعوب افکار عمومی باشند

نایب رئیس - داخل اصل موضوع نشوید

خلغالی - بسیار خوب . در جلسه گذشته هم چون نظر تلف کردن وقت

مجلس را نداشتم غمض عین کردم آقای مشار فرمودند که من باید نسبت بر فقاییم صمیمی باشم و از اعتدال خارج نشوم مفهوم مخالف اینها البته ملاحظه میفرمائید که توهین است من کی صمیمیت بخرج نداده ام فداکاری ما آذربایجانها در این مدت کم همه آقایان حاضرند و شاهدند که بی ارزش نبوده است و راجع به مسئله اعتدال هم عرض کردم که میلیون ها مردم بدبخت در ایران در پای سقوط آرزوهای خودشان ندیده می کنند ما نمی توانیم بیائیم بنشینیم اینجا با فورمالیته یک صحبت هائی بکنیم و بحثی بکنیم و برویم . این حرارت اعتدال در ایران ایجاد خواهد کرد و من گمان نمیکنم مطلبی گفته باشم که از اعتدال و قانون و حقایقی که ما باید در باره اش فداکاری کنیم خارج شده باشم دیگر وقت آقایان را تلف نمی کنم و مخصوصاً وقت نظر آقایان را در این قبیل موارد که بحثی پیش می آید کافی میدانم و متصدع نمیشوم

۴- اعلام وصول یک فقره

طرح و ارجاع آن به کمیسیون دادگستری و فرهنگ

نایب رئیس - وارد دستور می شویم . عده ای از آقایان وزیران تشریف آورده اند برای جواب سؤالات آقای وزیر دارائی هم تشریف آورده اند آقایان معاونین وزارت دادگستری و دفاع ملی هم تشریف آورده اند که البته بعداً دستور انجام خواهد شد . طرحی هم از طرف جمعی از آقایان رسیده است که بکمیسیون های دادگستری و فرهنگ فرستاده میشود .

۵- بیانات آقای نایب رئیس

دائر به تصدیق هیئت رئیسه

راجع به تعیین تکلیف

مطالب موجوده در مجلس سنا

نایب رئیس - مطلب دیگری که لازم بود . عرض مجلس شورای ملی برسانم اینست که پس از خاتمه یافتن دوره مجلس سنا هیئت رئیسه مکلف بود راجع بلوایح و طرح هائی که در آن مجلس معوق مانده است یک تصمیمی اتخاذ کند بطور گزارش بعرض مجلس برسد که البته با موافقت و اجازه مجلس شورای ملی همانطور هم عمل میشود . اکنون آنچه تصمیم گرفته شده است بطور خلاصه باستحضار آقایان می رسانم ؛ کلیه چهار نوع مطلب در سوابق مجلس سنا موجود است ؛

اولاً - لوایحی که از طرف دولت بمجلس سنا تقدیم شده است و تا خاتمه دوره سنا بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده است . این قبیل لوایح برای آنکه در مجلس شورای ملی مطرح شود باید مجدداً از طرف دولت بمجلس تقدیم گردد (صحیح است) دوم - لوایح و طرح هائی که در دوره شانزدهم بتصویب مجلس شورای ملی رسیده و بمجلس سنا فرستاده شده و تا خاتمه دوره سنا بلا تکلیف مانده است . برای آنکه این چنین لوایح و طرح هائی صورت قانونی پیدا نمایند باید بامضای ۱۰ نفر از آقایان آئین نامه مجدداً مورد شور واقع شود (صحیح است)

سوم - لوایح یا طرح هائی است که در دوره ۱۷ بتصویب مجلس شورای ملی رسیده و در سنامه معوق مانده است . این لوایح و طرح ها به همین صورتیکه تصویب گردیده به دولت ابلاغ خواهد شد (صحیح است) چهارم - برای اطلاع آقایان عرض میشود کلیه طرح هائی که در مجلس سنا به تصویب رسیده باشد جهت استحضار و اطلاع با اختیار آقایان گذاشته میشود تا پس از اطلاع و مطالعه در صورتی که آقایان مایل باشند مورد شور مجلس شورای ملی واقع شود .

۶- مذاکره در پیشنهاد واصله

دائر با رجاع لایحه افزایش سهم کشاورزان بکمیسیون مخصوص

نایب رئیس - مطلب دیگری که قابل توجه است اینست که لوایح اخیری که از طرف دولت تقدیم شده پاره ای مربوط بچندین کمیسیون بود و البته ارجاع چندین کمیسیون تأخیر زیادی بود . آئین نامه هم پیش بینی دارد در این مورد و از طرف یک عده ای هم مذاکراتی شد و پیشنهادی هم در این زمینه رسیده که قرائت می شود

(پیشنهاد بشرح زیر قرائت شد) پیشنهاد می نمایم لایحه افزایش سهم کشاورزان و لوایح مشابه را بکمیسیون خاصی که از هر کمیسیون سه نفر انتخاب می شود برای رسیدگی و تصویب لوایح مربوط بفرستند و بنا بر این تقاضای رأی از مجلس مینمایم . ملک مدنی . شستری . انگلی شهاب خسروانی . مصدق

نایب رئیس - ماده ۴۰ آئین نامه قرائت میشود که آقایان از ماده ۴۰ آئین نامه هم مطلع شوند و بعد راجع باین پیشنهاد صحبت کنند

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۴۰ - مجلس بملاحظه اهمیت هر طرح یا لایحه قانونی میتواند بجای ارجاع بکمیسیون دائمی مربوطه بادرخواست رئیس مجلس یا پیشنهاد ۵ نفر از نمایندگان رأی بدهد که از هر شعبه یا کمیسیون دو یا سه نفر برای عضویت کمیسیون مخصوص جهت رسیدگی بآن طرح یا لایحه انتخابات شود و هر گاه طرح یا لوایح قانونی جدید مشابهی پیشنهاد شود توسط رئیس بهمان کمیسیون ارجاع میگردد بجزوم انتخاب مزبور بعد از توضیح مختصر رئیس یا یکی از امضاء کنندگان و نطق مختصر یک مخالف رأی گرفته میشود

بعضی از نمایندگان - پیشنهاد را مجدداً قرائت کنید

(بشرح مطابق مجدداً قرائت شد)

نایب رئیس - آقای ملک مدنی توضیحی دارید بفرمائید

ملک مدنی - عرض کنم لایحه ای که راجع با افزایش سهم کشاورزان بتصویب آقای دکتر مصدق رسیده و بموقع عمل هم گذاشته شده برای تصویب مجلس تقدیم مجلس شورای ملی شده و این لایحه طبق مذاکره ای که در هیئت رئیسه شد تقریباً باید هفت یا هشت کمیسیون ارجاع شود و اظهار نظر کردن از شش یا هفت کمیسیون برای این لایحه آقایان تصدیق میفرمائید که وقت لازم دارد و بملاوه ممکن است که یک عقاید مختلفی از کمیسیونها اظهار شود که در نتیجه طرح و بحث آن در مجلس دچار اشکالاتی

شود این بود که در هشت روزه با استفاده از ماده چهل آیین نامه اینطور در نظر گرفته شد که طبق ماده ۴۰ آیین نامه بعرض مجلس شورای ملی برسد که از هر کمیسیون سه نفر انتخاب شوند که باین لایحه رسیدگی بکنند (یک نفر از نمایندگان - از تمام کمیسیونها؟) خرازر کمیسیون که ارتباط با آن لایحه دارد برای این قبیل لوایح ما دو ماده داریم یکی ماده ۳۹ است که میگوید هر وقت لایحه ای ارتباط بچند کمیسیون داشته باشد رئیس مجلس دستور تشکیل کمیسیون خاصی را میدهد که از کمیسیونهایی که بان لایحه مربوط است تشکیل میشود و آن لایحه بآن کمیسیون ارجاع میشود و یکی دیگر ماده ۴۰ است که بملاحظه اهمیت لوایحی یا درخواست رئیس مجلس یا پیشنهاد ه نفر از نمایندگان مجلس موافقت میکند که آن لایحه بکمیسیون خاصی منتخب از شعبه ها یا کمیسیونها تشکیل شود در این مورد همانطور که مقام ریاست اعلام کردند این پیشنهاد شده است و مجلس رای میدهد که از هر کمیسیون ۳ نفر انتخاب شوند و این لایحه در آن کمیسیون مطرح شود و بعد خبرش را بمجلس بدهد الان در این لایحه پنج شش یا هفت کمیسیون تقریباً ذمه لایحه است که باید نسبت باین لایحه رای بدهند کمیسیون کشاورزی است کمیسیون کشور است کمیسیون بهداری است کمیسیون راه است کمیسیون بودجه است کمیسیون فرهنگ کمیسیون دارائی کمیسیون امور اجتماعی - **کریمی** - کمیسیون بهداری نیست **علک مدلی** - کمیسیون بهداری هم هست چون کمیسیون بهداری از نظر اینکه بکمیسیونها باید بمصارف بهداشت و بهداری برسد باینجهت اگر یک کمیسیون خاصی انتخاب شود زود تر انجام میشود و نظریات مجلس هم بهتر تأمین می شود

نایب رئیس - آقای اخگر مخالفید (اخرگر - بلی) بفرمائید

اخرگر - اولاً طرح این موضوع برخلاف دستور است در دستور موضوع آقای قوام بود که می بایستی تکلیفش معلوم شود و این برخلاف دستور است که یک مطالب دیگری طرح شود در ثانی اصل این پیشنهاد مهم است سهم کشاورزان و لوایح مشابه آن یعنی چه؟ این مشابه باید توضیح داده شود ثالثاً عملی نیست ۱۸ کمیسیون در مجلس هست و از هر کمیسیون سه نفر باید انتخاب شود این میشود همه مجلس این نتیجه ای ازش حاصل نمی شود وجه فایده ای دارد بملایه انتخاب از هر کمیسیون ۳ نفر یعنی چه؟ یعنی که این ۳ نفر از طرف کمیسیون ها نماینده باشند که به بینند موضوع چیست و خبر بدهند و کسب تکلیف از کمیسیونها بکنند یا قائم مقام کمیسیون باشند سه نفر که نمیتواند قائم مقام ۱۲ نفر یا ۱۸ نفر باشد - بنده جداً استدعا میکنم که این پیشنهاد را از دستور

خارج فرمائید و همان هائی که در دستور بود طرح کنید

نایب رئیس - ظاهر آیک سو تفاهمی برای آقایان پیدا شده و مخصوصاً برای آقای اخگر که فرمایششان و نظرشان ناشی از عدم توجه بآیین نامه بود در آیین نامه این اختیار بر رئیس مجلس داده شده است که لوایحی را که میرسد بعرض مجلس برساند در صورتی که مجلس رای ندهد این مطلب طرح شود - حالا توجه بفرمائید لایحه ای از قبیل ازدیاد سهم کشاورزان باید بکمیسیونهای کشور راه دادگستری فرهنگ دارائی کشاورزی کمیسیون امور اجتماعی کمیسیون برنامه و کمیسیون بهداری برود - دوراه یعنی سه راه بوده است یکی این است که همه کمیسیونها فرستاده شود و البته میدانید نمی شود اینکار در آن واحد انجام شود چون باید در کمیسیون قبلی روشن شده باشد بنابر این دو راه میباشد یکی اینکه طبق ماده ۴۰ آیین نامه است که اینجا پیشنهاد شده است یکی اینکه رئیس با اختیاری که در ماده ۳۹ آیین نامه بهش داده شده است یک کمیسیون از اعضای کمیسیونهای مجلس انتخاب بکند و آن کمیسیون را مأمور این کار میکند بنده نخواستم از این اختیار استفاده بکنم ماده ۴۰ این اختیار را بر رئیس مجلس میدهد که از هر کمیسویی نه فقط از شعب از شعب یا از کمیسیونها از تمام کمیسیونها اشتباهی در بیان آقای ملک مدنی بود باید از تمام کمیسیونهای مجلس ۳ نفر انتخاب بشوند و این کمیسیون گزارش رسیدگی خودش را بمجلس شورای ملی بدهد حالا این موضوع اینجا مطرح است اگر قبول شد انجام میشود و اگر رد شد هیئت رئیسه از اختیاراتش استفاده می کند و تصمیم میگیرد - آقای دکتر سنجابی فرمایشی دارید؟

دکتر سنجابی - بنده توضیح مختصری دارم.

نایب رئیس - بفرمائید

دکتر سنجابی - بنده خیال میکنم که برای بعضی از آقایان محترم نسبت باین پیشنهاد یک سو تفاهمی شده باشد بنده این پیشنهاد را امضا نکرده ام ولی از جریان و ترتیب نظامنامه اطلاع دارم اولاً این لوایح که بمجلس فرستاده شده بر طبق قانون اعطای اختیارات قابل اجراء است و اجراء میشود و اینکه چند نفر از نمایندگان امضاء کرده اند منظورشان تسریع در انجام کار و رسیدگی و دقت بیشتری در انجام کار است زیرا اگر بنا باشد بر طبق معمول آیین نامه جاری و عادی مجلس باین لوایح رسیدگی بشود هر یک از این لوایح باید برود بکمیسیون های مختلف و بتدریج و به تناوب رسیدگی بشود و مدتی طول خواهد کشید (یکی از نمایندگان) - لازم است که بشود و بنظر بنده در این موضوع لازم نیست همچنانکه سابقه دارد در این مجلس نسبت بموضوع برنامه هفت ساله که ممکن بود بکمیسیونهای مختلف ارجاع بشود یک کمیسیون

برای اینکار ایجاد شد یا برای مسئله نفت یک کمیسیون مخصوص نفت احداث شد موضوع اصلاحات کشاورزی و اصلاحات ارضی یکی از مسائل اجتماعی بسیار مهم است و باید از اجاظ اهمیت مثل این مسائلی که بنده عرض کردم و سابقه دارد در مجلس نسبت بآن توجه داشته باشد بنظر بنده این پیشنهاد نظر بدی نیست و شاید مناسب این باشد اگر مجلس قبول بکند و آقایان پیشنهاد دهند که آن قبول کنند مناسب این باشد که از هر شعبه ای سه نفر انتخاب شوند و یک کمیسیون واحد بشود و باین قانون مهم اجتماعی رسیدگی شود و بعد بمجلس بیاید بنظر بنده این تسریع در کار است

نایب رئیس - نظر آقای دکتر سنجابی البته از حدود تند کرد تجاوز کرده توجه بفرمائید الان راجع باین پیشنهاد باید رای بگیریم اگر آقایان پیشنهاد دهند که آن بخواهند این موضوع مسکوت بماند بهتر است

بعضی از نمایندگان - یک دفعه دیگر قرائت کنند (مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

نایب رئیس - بنابر این رای میگیریم

دکتر بقائی - بنده تذکری دارم از هر کمیسویی سه نفر میشود ۵۲ نفر یعنی همین عددی که الان در مجلس هستند اینجا منهای ۶ نفر در کمیسیون باید باشند و این عملی نیست آقا و ضمناً کمیسیون فرهنگ هم هنوز تشکیل نشده این لایحه اضافات فرهنگ که مادر کمیسیون بودجه تصویب کردیم بملت اینکه کمیسیون فرهنگ تشکیل نشده است بی فایده است

نایب رئیس - بنده تصور میکنم بهتر است که آقایان پیشنهاد دهند که موافقت بفرمائید که این موضوع قبلاً در جلسه خصوصی طرح شود بعد آیا در مجلس

بقیه مذاکره در لایحه دو فوری راجع با اجازه تعقیب آقای احمد قوام و تصویب آن

نایب رئیس - لایحه دولت راجع با اجازه تعقیب آقای احمد قوام مطرح است (بشرح زیر قرائت شد)

مجلس شورای ملی ۲۰ دروقایمی که از ۲۷ تیر تا سی ام تیر ۱۳۳۱ در طهران و ولایات اتفاق افتاده تعقیب و تحقیقات از آقای احمد قوام مورد لزوم و ضروری است لذا اجازه تعقیب مشارالیه را با تصویب ماده واحده ذیل از مجلس شورای ملی بقید دو فوریت درخواست مینماید

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت دادگستری اجازه میدهد که نسبت بوقایع ۲۶ تاسی و یکم تیر ۱۳۳۱ آقای احمد قوام را مورد تعقیب قانونی قرار دهد

نایب رئیس - پیشنهادات قرائت شود (پیشنهاد میکنم طرح مربوط بضبط اموال قوام که یک بار بتصویب آقایان محترم رسیده است ضمیمه ماده واحده تقدیمی دولت گردد - دکتر بقائی - علی زهری

نایب رئیس - گمان میکنم منتهی است

دکتر بقائی - باینکه قرار شد آن قانون ابلاغ شود باتوشیح آن دیگر این پیشنهاد لازم نیست بنده پس گرفتیم

نایب رئیس - پیشنهاد دیگر قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده واحده اضافه شود

تبصره - بکلیه جرمهائی که علیه نهضت ملی از روز ۲۶ لغایت ۳۱ تیرماه بوسیله مأمورین لشکرکشی و کشوری در سراسر کشور بوقوع پیوسته بدون رعایت مقررات قانون آیین دادرسی و بر طبق کيفر ارتش اصول کلی قانون آیین دادرسی کيفری در دادگاه جنائی مرکز و در خارج از نوبت رسیدگی میشود

کریمی - دکتر بقائی - زهری

نایب رئیس - پیشنهاد باید مرتبط باشد باماده واحده یعنی باماده واحده ارتباطی داشته باشد تصور میکنم لایحه تقدیمی دولت نمیتواند مرتبط باین مطلب شود آن راجع بموضوع معینی است و مربوط بتعقیب آقای احمد قوام است و نمیتواند بدان مربوط باشد

بعضی از نمایندگان - باید در ماده واحده اصلاح شود که از ۲۶ تا ۳۱ تیرماه

نایب رئیس - با اصلاحیکه شده است از ۲۶ تیر تا ۳۱ تیرماه رای می گیریم آقایانی که موافقت دارند باین ماده قیام میکنند (اغلب برخاستند) تصویب شد

۸ - طرح سوال آقای وکیل پور

نایب رئیس - سؤالها مطرح است آقای وکیل پور

وکیل پور - بنده باید قبلاً عرض کنم که اگر انتقادی از روش برخی از وزارت خانه ها میکنم حمل بر این نشود که مخالفتی با دولت دارم چون افتخار همکاری با فرا کسیون نهضت ملی را دارم موظف بپشتیبانی از دولت جناب آقای دکتر مصدق هستم اما فکر می کنم احدی تردیدی نداشته باشد که برای حفظ و تثبیت این افتخار و موفقیتی که ملت ایران بدست آورده وزارتخانه ها باید یک روش اقتصادی صحیحی پیش بگیرند زیرا یک چنین موقعیتی که بدست ملت ایران افتاده بقدری عظیم النظیر و بقدری گران بهاست که باید از دقایق و ساعات آن استفاده شود روزی که قانون اعطای اختیارات جناب آقای دکتر مصدق بتصویب رسید بیکی از آقایان وزراء عرض کردم این ره این راه توشه این منزل مردراهی اگر بیابویار امروز هم عرض میکنم که برای آقایانیکه مصدر کار هستند هیچ مانعی برای اصلاحات وجود نداشته است ولی امروز عرض میکنم و بسیار متأسفم که برخی از وزارتخانه ها من جمله (عده کافی نبود)

۹ - ختم جلسه بعنوان تنفس

نایب رئیس - چون مجلس خسته است و بعضی از آقایان هم تقاضا فرموده اند ده دقیقه تنفس می دهیم

(۵۰ دقیقه بعد از ظهر جلسه بعنوان تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نگردد)

نایب رئیس - مجلس شورای ملی

احمد قوام